

## جنون قدرت

«بررسی تلاش‌های مسعود رجوی برای دستیابی به حاکمیت در ایران»

اصغر حیدری<sup>۱</sup>

### مقدمه

در این مقاله به بررسی تلاش‌های مسعود رجوی، رهبر سازمان مجاهدین خلق، جهت دستیابی به حاکمیت در ایران می‌پردازیم. وی که بعد از اعدام رهبران اولیه و اصلی سازمان مجاهدین خلق توسط رژیم پهلوی میدان را برای خود خالی دید، کوشید بر رهبری سازمان چنگ زند و آن را به عنوان نردبانی جهت رسیدن به قدرت هر چه بیشتر به کار گیرد. او به مراتب پایین قدرت راضی نبود و در حسرت رسیدن به بالاترین مراتب آن می‌سوخت. زمانی که انقلاب اسلامی باز جان‌گذشتگی‌های ملت مسلمان ایران تحت رهبری حضرت امام خمینی(س) به مراحل نهایی پیروزی رسید، اعضای سازمان مجاهدین خلق نیز همراه دیگر زندانیان سیاسی از پوسیدن در زندان‌های ابد رژیم پهلوی رهایی یافتند. در آن هنگام مسعود رجوی بهترین موقعیت را برای خیز برداشتن به سوی حاکمیت به دست آورد و چنان در این زمینه حریص بود که دچار نوعی جنون قدرت گردید. این جنون که با کیش شخصیت گره خورد او را به موجودی خودشیفته و خودکامه تبدیل کرد که همه‌چیز و همه‌کس را برای خود می‌خواست و اگر شخص،

۱. کارشناس ارشد ایران‌شناسی



گروه و حتی دولتی را مانع هوا و هوس و رسیدنش به قدرت می‌دید در تقابل و حذف آنها توسط سازمانی مخوف که افرادش دین، دنیا و آخرت شان را در اختیار رهبری او گذاشته بودند کوچک‌ترین تردیدی به خود راه نمی‌داد. عملکرد بسیار خشن و میلیتاریستی سازمان به رهبری و فرماندهی رجوی در مقابل نظام جمهوری اسلامی، اوضاع عجیب و شگفت‌آور حاکم بر پایگاه اشرف عراق و... مؤید تحلیل فوق است.

### رجوی؛ از تولد تا زندان

مسعود رجوی فرزند حسین رجوی و راضیه جلالیان، اهل شهر مشهد است و اشتغال پدر او در اداره ثبت موجب زندگی کردن آنها در شهرهای متعدد شد. مسعود رجوی در سال ۱۳۲۷ در شهر طبس به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان فارابی کاشمر و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان دانش بزرگ‌نیا در شهر مشهد به پایان رساند و در سال ۱۳۴۵ در رشته حقوق سیاسی وارد دانشگاه تهران گردید. در سال ۱۳۴۶ حسین احمدی روحانی که از نخستین اعضای سازمان مجاهدین بود، رجوی را عضو گیری کرد. رجوی از سال ۱۳۴۹ به عنوان یکی از مسئولان آموزشی، وارد کمیته مرکزی سازمان گردید.

او در سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و در دادگاه به دفاع ایدئولوژیک پرداخت و همراه با جمعی دیگر از اعضای کادر مرکزی سازمان به اسامی ناصر صادق، علی میهن دوست، علی باکری و محمد بازرگانی محکوم به اعدام گردید. پس از گذشت مدتی اعلام شد که رجوی بایک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم شده است؛ علت اصلی این امر، چنان که از اسناد سال ۱۳۵۰ سواک آشکار می‌گردد، همکاری وی با این سازمان در شناسانیدن کامل سازمان مجاهدین و اعضای کادر مرکزی آن بوده است. او هر آنچه می‌دانست در اختیار سواک قرار داد و افراد زیادی با اعتراض‌های او دستگیر، شکنجه و حتی اعدام شدند.

رئیس زندان قزل قلعه در سال ۱۳۵۰ برای اینکه یکی از مبارزان مسلمان را ادار به همکاری و اعتراض کند، دستور داد پرونده و اعتراض‌های مسعود رجوی را به اونشان دهند. مبارز مذکور که حاج محمد حسن عبدیزدانی نام دارد، اهل شهر تبریز بود. او در خاطراتش می‌گوید:

پرونده را آوردند و تاباز کردن دیدم اعترافات مسعود رجوی است.

باشیدان توسدی قاخدی! (دو دار کله‌ام بلند شد) دیدم رجوی هر که را می‌شناخته لوداده و چند کروکی هم کشیده و تاریخ و محل و خیابان و کوچه

رامشخص و حتی منابع را جهت اعتراض گیری بیشتر معرفی کرده است... در سلول عمومی به سعید محسن و بدیع زادگان [از اعضای کادر مرکزی سازمان] رساندم که از مسعود رجوی مراقب باشند و گفتم که اعتراض کرده و بسیاری از بچه‌ها و از جمله حنیف‌نژاد را لو داده است.<sup>۱</sup>

آقای عبدیزدانی روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ در تسخیر زندان اوین مشارکت داشت و موفق شد خود را به بایگانی زندان برساند و ضمن انتقال پرونده‌ها به دفتر اقامتگاه حضرت امام خمینی (س)، پرونده رجوى را بيايد و نگه دارد. وى با تهيه فتوکپى از پرونده رجوى، اصل پرونده را به شهيد آيت الله بهشتى تحويل داد. در اوخر سال ۱۳۵۸ با گسترش فعالیت‌های مجاهدين، چند صفحه از پرونده اعتراضات رجوى در شهر تبريز چاپ و منتشر شد. در صفحه چهارم باز جوبي های رجوى، وي مكان محمد بازرگانی، بهمن بازرگانی و محمد حنیف‌نژاد را با کشیدن کروکی محل سکونت چنین لو داده است: محل ضربدر، خانه محمد است، کوچه سوم از سمت چپ. در آبی پلاک آن رانمی دانم. در بعد از گلزار قرار دارد.

۵. بهمن-ترک-اهل آذربایجان، قد متوسط، چهره تقریباً سبزه، سن حدود ۲۵-۲۶ ساله، مو تقریباً مشکی. آدرس او رانمی دانم. از نظر شکلی زیاد شبیه محمد است. احتمالاً پسر عمومی او باید باشد یا قوم و خویش نزدیک. یکبار او را در زمستان گذشته به هنگام خروج از وزارت اقتصاد دیده‌ام. البته نمی‌دانم که آنجا کار می‌کرده یا برای انجام کاری رفته بود، محمد بازرگانی او را باید بشناسد.

۶. بهروز، قد کوتاه، سیه‌چرده، اهل آذربایجان، آدرس نمی‌دانم، چشم و مو مشکی. به احتمال قوی فارغ‌التحصیل و مهندس باید باشد. محمد بازرگانی باید او را بشناسد.

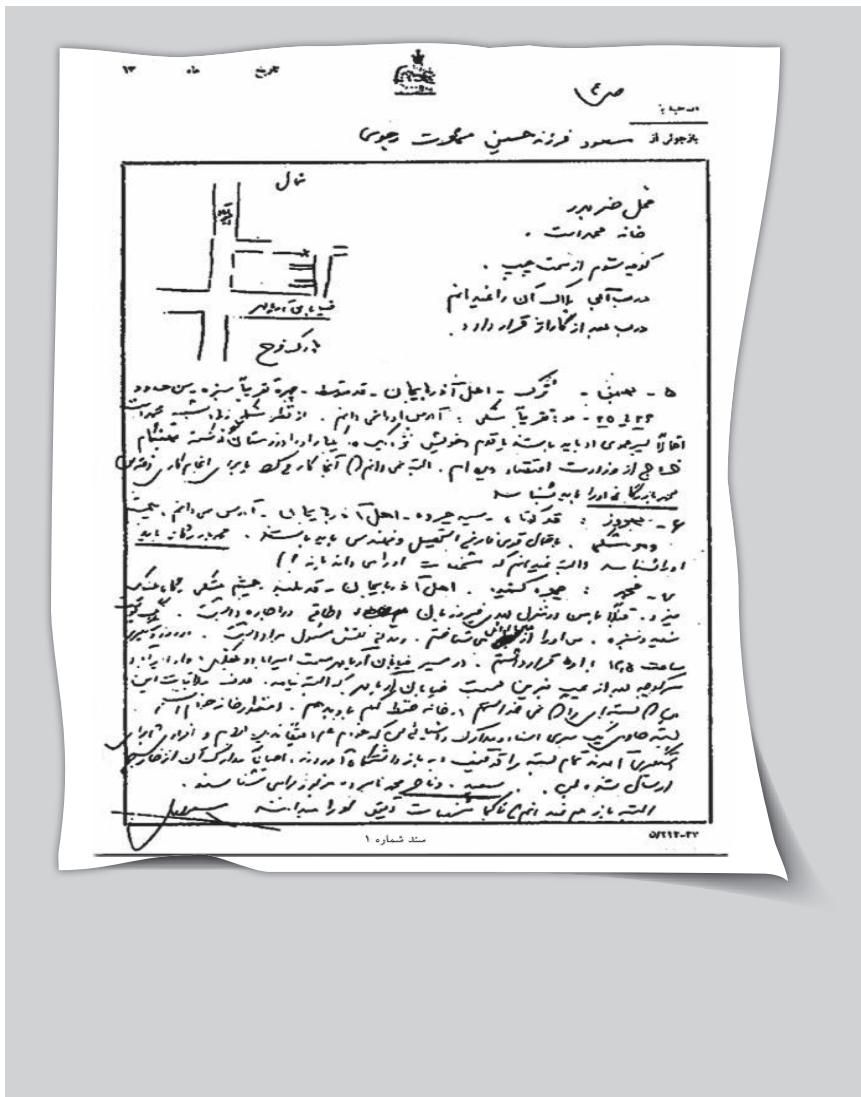
۷. محمد، چهره کشیده، اهل آذربایجان، قد بلند، چشم مشکی، گاه عینک می‌زد. قبلًا من در منزل مهدی فیروزیان اتفاقی در اجاره داشت. رنگ پوست سفید و سبزه. من او را از همان اوایل می‌شناختم و مدتی نقش مسئول مرا داشت. در روز دستگیری ساعت ۱۲/۵ با او قرار داشتم. در مسیر خیابان آریامهر سمت امیرآباد و بالعکس و از امیرآباد سر کوچه بعد از پمپ بنزین

۱. محمدحسن عبدیزدانی: اعدام کنید! (خطرات محمدحسن عبدیزدانی)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴-۱۸۶.  
۲. همان، ص ۲۹۵-۲۹۳.

به سمت خیابان آریامهر که البته نیامد. هدف از ملاقات این بود که بسته‌ای را که نمی‌خواستم در خانه حفظ کنم به او بدهم (منظور خانه خودم است) بسته حاوی یک‌سری اسناد و مدارک و اشیایی بود که خودم هم دقیقاً ندیده بودم و افرادی که برای دستگیری [من] آمدند تمام بسته را توقیف و به بازداشتگاه آوردند. احتمالاً مدارک آن از خارج ارسال شده بود. سعید و ناصر، محمد نامبرده مجبور رامی شناسند. البته باز هم نمی‌دانم که تا کجا مشخصات دقیق او رامی دانند. مسعود رجوی، امضا.

س. مشرح اطلاعات در مورد محمد

ج. حدود ۳ الی ۴ سال پیش اورامی شناختم. از افراد سطح بالای ما بود...



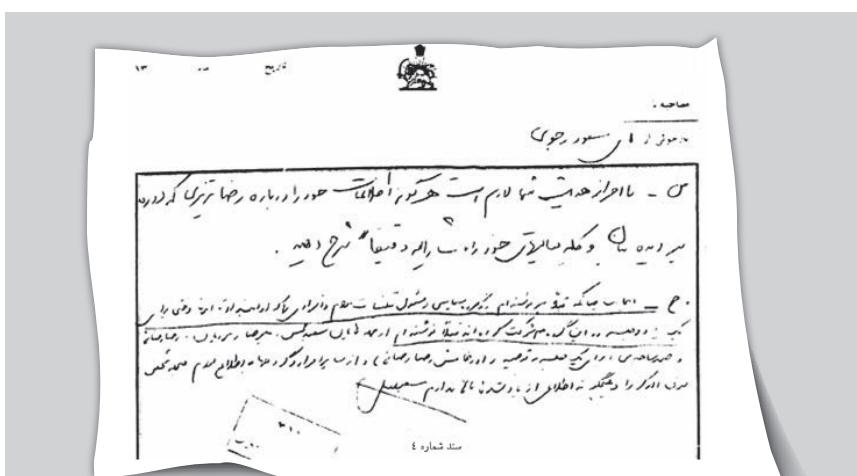
س. مشروح اتفاقات و مسعود رجوی

ج . . . حبیبی بور سال پیش از آنستم . در افراد مسلح بودی طارده . تمدید ، گفته شدند منشی  
کما من دوست از کلیک هستم ، گفته شدند منشی مل سرخن روزانه این اتفاق را در  
مشن ره . و در این روزگاری سمت ۱۶۸ داشت امدادی هم . ترکیه اهل آذربایجان ری . استبداد  
امتن و نفع و مصلح مردم رفت . کاردار گردید . مشهود است از این زمان ره . دیگر من کارگاهی هم  
مشهود از خود را نداشت . هر چند این روزگاری همچنان زیر داشت برق ، این روزگاری همچنان کار . و از این زمان  
پیر نظر را داشت . و من شاید بادست داشتم . و داشت از این زمان آنها بن ارسانی که سلطنت  
نمی خواستند . قیمت این را باید بگیرد . مثلاً داشتم . و من این را داشتم .

سنند شماره ۲

رجوی در صفحه های بعدی باز جویی ، تعداد دیگری از اعضای اصلی مجاهدین مانند  
اصغر بدیع زادگان ، هوشمند خامنه ای ، ابراهیم داوری و مصطفی ملایری را معرفی و در  
صفحه ای دیگر چنین اعتراف می کند :

اینجانب چنان که قبل از نوشته ام در گروه سیاسی و مسئول تبلیغات بودم  
و افرادی را که از ابتدای آنها و حتی برای یک یادو جلسه در این گروه هم  
شرکت کرده اند قبل از نوشته ام از جمله آقایان سعید محسن ، علیرضا زمردیان ،  
رضارضایی و صمد ساجدی . مسعود رجوی ، امضا .





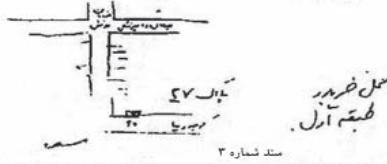
بازجویان از مسند فرموده حسن میراث روحی

صد هجری

لش



- درین نخاطر این که گزاروت حیری از ناخنیه باشتر سایر در عالمه الامرکه . و چنین  
اود بجز این دعوه همچوی مصطفی پادشاهی شاهزاده گریم کاشم لاشه شاهزاده و افراد مبارز  
دیگر داده اند که این امر است.
- سید حسن میراث مذکور مصادف با خود مختاری که گفت
- ۱۷ - اعترض : ۱۶ ناسیل از پیش چندین ۲ بیان ماست . مسند به ماقبل قدرتی  
و گرسنگی از مادرانه کشته ، تی داشت ، بلوی . تقدیر ، سیحه ، مرحله عیشی -  
حیله سیه . ساخته که فرع حدود خوشی و ششم که ایشان از آن بدینه کام افسار . میان  
و ایشان میانی بیرون بدلک بروی و آن را اینچنان من اماد . نزل . مترون مترو خواره  
است . تراسته آن میان از مسند از را کشید ، فیض میرزا . محمد امین مصطفی . هر مردم  
الله عییش نمی دارد که دلیل این ایشان است .
- ۱۸ - مسند از میرزا مسند ام ول احلاج امنیه ام .
- عییش از میرزا - گویی از این شد . فردی می بیند به بیهوده . صمد .
- ۱۹ - مسند خود و مصدق . جیب شیخ زاده و معاشره و فرم . ویرانه روزی سرمه ایل کار . زیر  
هر گزینه که کجا هم دس سریع شفت از پیش ام . کسی شیخ زاده و معاشره مبارز  
کشت از
- ۲۰ - پنجمین خاشر . ۲۱ - طیهم و اور . ۲۲ - مسند شیخ زاده . و معاشره و نماینده ایل  
آدم ایل کار . اقشار «لش» . مقتول . پرورد . و مرتضی مفتح مطهی و را پسر  
و نگاه و نهاد پیر زدن و دلسته بکسر میگشت و درست . سال ایل از در ایلام بزمی مذکور  
خانه ایل خوش ایل خوش خیر ایل .



مسند شماره ۳

## مراجع تقليد و حکم اعدام اعضای سازمان

در ایام محکمه اعضاء و سران اولیه سازمان مجاهدین که در آن زمان تحت عنوان «سازمان آزادیبخش ایران» مشهور شده بودند، برخی از روحانیان تبریز چون سید یوسف هاشمی، محمد غروی تبریزی، حسن انگجی، نصرالله شبستری، سید احمد خسروشاهی و... با رسال نامه‌ای خطاب به آیات عظام مرحوم گلپایگانی، مرحوم میلانی، مرحوم مرعشی نجفی و سید کاظم شریعتمداری از آنان خواستند که جهت جلوگیری از محکمه و اعدام اعضای سازمان آزادیبخش ایران تلاش نمایند. در این نامه از افراد سازمان با عنوان «جوانان متدين و حافظ قرآن» یاد شده بود.<sup>۱</sup> پاسخ آیات عظام به

۱. اصغر حیدری، آیت الله شریعتمداری به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، سند ش. ۲۹۰، ص. ۵۸۶.

نامه مذکور بیانگر تلاش آنان برای آزادی دستگیر شدگان می‌باشد. در پاسخ آیت‌الله گلپایگانی آمده است:

حقیر از گرفتاری جوانان مسلمان سیار متاثر و این سخت‌گیری‌ها برخلاف صالح کشور می‌دانم. با وضع فعلی که دستگاه به عنوانین مختلفه دین را ضعیف و فحشا و منکرات را الشاعه می‌دهد و به تذکرات خیرخواهانه علماء ترتیب اثر نمی‌دهد نمی‌توانم مستقیماً اقدام نمایم.<sup>۱</sup>

آیت‌الله مرعشی نجفی در پاسخ خود مرقوم فرموده‌اند: «در خصوص گرفتاری جوانان مؤمن به طور انفرادی و اشتراکی اقدام کرده و خواهم کرد.»<sup>۲</sup> آیت‌الله میلانی نیز نوشته بود:

خبر و اصله از ابتلاء و فشار نسبت به جوانان مذهبی بسی موجب تأثیر و نگرانی گردیده و تاکنون به هر نحوی که به نظر می‌رسد برای نجات و استخلاص آنان اقدام شده است.<sup>۳</sup>

در پاسخ آقای شریعتمداری می‌خوانیم: «حقیر در خصوص زندانیان سیاسی مذکور اقدامات مکرری نموده‌ام و امید به فضل الهی که خالی از اثر نمی‌باشد.»<sup>۴</sup> وی طی تلگرافی از شاه خواهش نمود که زندانیان را مورد مرحمت و عواطف پدرانه و مشمول عفو قرار دهد.<sup>۵</sup> اما دفتر مخصوص شاه در پاسخ به تقاضای آقای شریعتمداری چنین نوشت:

... درباره کسانی که به موجب آرای محاکم به علت ارتکاب قتل و جرح، سرقت مسلحانه، انفجار بمب، قیام علیه حکومت و داشتن مرام اشتراکی و جرایم دیگر محکومیت یافته‌اند از پیشگاه مبارک ملوکانه استدعای عفو و بخشایش شده بود... آنچه مربوط به شخص شخصی شاهانه وجود مبارک ملوکانه بوده عفو فرموده و گناهکاران را مشمول بخشایش قرار داده‌اند ولی امر مربوط به کسانی که عده‌ای را به قتل رسانیده و مرتكب سرقت مسلحانه و ایجاد انفجار و قیام علیه حکومت و داشتن مرام اشتراکی و جرایم عمومی دیگر وابسته به حقوق جامعه و افراد شده‌اند و علنًا اعتراف کرده‌اند، موضوعی نیست که ذات مبارک ملوکانه درباره آن تصمیم اتخاذ فرمایند و مورد عفو

۱. همان، ص. ۵۸۹.

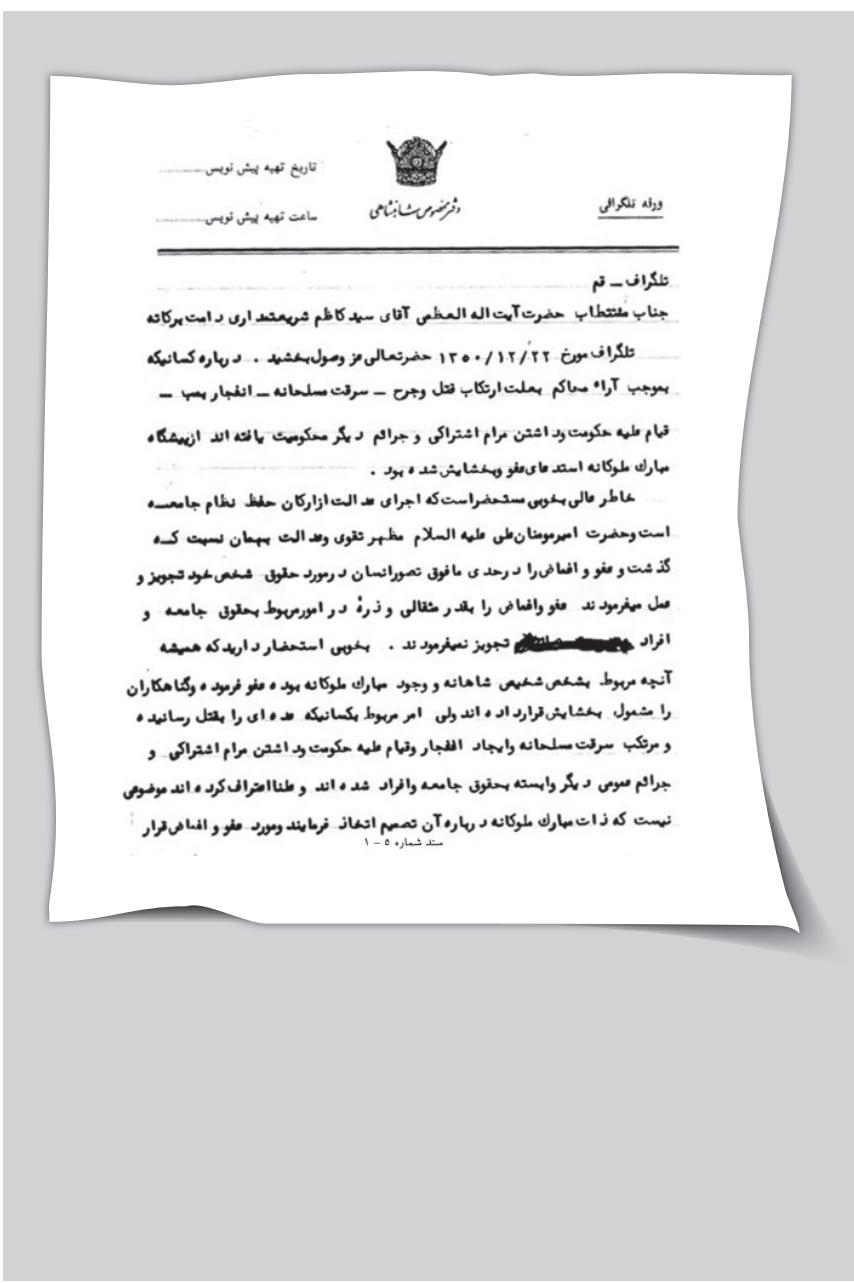
۲. همان، ص. ۵۹۰.

۳. همان.

۴. همان، ص. ۵۸۶.

۵. همان، ص. ۵۷۴.

واغماض قرار داده شوند و بر فرض امکان انجام این درخواست، معلوم نیست چه کسی در پیشگاه خداوند جوابگوی خون بیگناهان خواهد شد که به دست این عده ریخته شده و کی می تواند رضایت و گذشت و عفو زن و فرزندان و خانواده مقتولین را به دست آورد. مضافاً اینکه آرای محکومیت از طرف محاکم صادر شده است...





تاریخ تهیه پیش نویس

ساعت تهیه پیش نویس

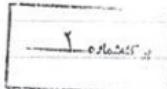
داد و شوند و برگرفت امکان انجام این درخواست معلوم نیست چه کسی در پیشگاه  
خد اوند جواہگوی خون بیگناهان خواهد شد که بدست این هد و زینت شده و  
کی میتواند رضایت وگشت و غورن و فرزندان و خانواده بدست آوردها اینکه  
آرا محاکومیت از طرف محکم صادر شد باشد . البته قفو و بخشایش همیشه مورد توجه  
اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر است ولی تاجانیکه مخالف دل الہی و شرع و قانون  
و نظام جامعه نیاشد که قطعاً جنابعالی هم بین اصول احتمال راضی دارد .  
مُرَبِّ توپيق حضور عالی را از در رگا مدد اوند متعال مسلط دارد .

رویس د فرم مخصوص شاهنشاهی

۱۲۵۰ / ۱۲ / ۲۹

سد شماره ۵-۲

م / ۱۰۶ - ۱ - ۴۱۹



پیشگاه  
دستور  
مخصوص شاهنشاهی  
سال هیئت  
شماره ۷۶  
پیغامبر

به این ترتیب شاه درخواست عفو زندانیان را نپذیرفت. تعدادی از خانواده زندانیان و  
محکوم شدگان در خانه آفای شریعتمداری تحصن کردند و یا با نوشتن نامه‌ای نیز از  
محمد رضا پهلوی تقاضای عفو زندانیان را نمود. در بخشی از این نامه چنین آمده بود:  
پیشگاه معظم اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر دامت عظمته. با ابلاغ  
سلام و تقدیم مراتب تعظیم و احترام به شرف عرض ملوکانه... لطف و عنایت  
مخصوص شاهنشاه ایران نسبت به مراجع دینی به خصوص در مورد حقیر در  
نzd عموم مردم محرز و مسلم است. راجع به زندانیان اخیر کثرت مراجعات  
از ناحیه همه طبقات به خصوص علمای شهرستانها از حد و نصاب گذشت  
و عقیده داشتند که اگر از طرف حقیر به عرض بررسی قطعاً تا حدودی نتیجه  
خواهد داد... لذا با عرض تلگراف به محضر ملوکانه و تقاضای یک درجه



تخفیف در مورد هر شخصی که اعلیحضرت همایون صلاح بدانند... حقیر هیچ نظری غیر از خیرخواهی نداشته و نخواهم داشت...<sup>۱</sup>

این بار نیز پاسخ شاه منفی بود و از شریعتمداری خواسته شد که خانواده‌های تحصن کننده را رشداد کند. در بخشی از پاسخ دفتر مخصوص شاه آمده بود:

... قبول تقاضای عفو مربوط به کسانی که علاوه بر ارتکاب به قتل و ترور و اخلال نظام و ارتباط با اجنبی صریحاً اعتراف کرده‌اند که مارکسیسم هستند و بنابراین معتقد به دین و مذهب نیستند آن هم از طرف حضر تعالی و سایر آقایان مورد انتظار نبوده است و انتظار می‌رفت که دلالت و ارشاد شوند والا آنچه در حدود شرع و عرف و مقررات جاری مملکتی باشد قطعاً مورد توجه قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup>

محمد رضا پهلوی از نامه‌نگاری روحانیان تبریز به آیات عظام و تلاش برای آزادی محکوم شدگان سازمان، ناراضی و عصبانی شد و به ساواک دستور داد نویسنده‌گان نامه به آیات عظام را دستگیر نمایند.<sup>۳</sup> ساواک بعد از گزارش پاسخ‌های آیات عظام و دستور دستگیری، اعلام نظر ژاندارمری را چنین منعکس ساخته است:

... با توجه به اینکه موضوع شامل مرور زمان شده و به علاوه به موقع در بولتن درج و از عرض گذشته است و تحریکات علمای تبریز نیز چندان مؤثر نبوده است، لذا مراتب به عرض می‌رسد تا هر طور که صلاح است عمل شود.<sup>۴</sup>

البته سندي بیانگر دستگیری یا عدم دستگیری نویسنده‌گان نامه به آیات عظام به دست نیامد و با توجه به قسمت آخر گزارش ساواک، گویا شاه از نظر خود بازگشت و تنها به اجرای احکام مجازات دادگاه در مورد اعضای سازمان مجاهدین بستنده کرد.

## سازمان عفو بین‌الملل و حکم اعدام رجوی

رجوی و سازمان مجاهدین مدعی بودند و هستند که تلاش‌های سازمان عفو بین‌الملل جان او را از اعدام رهانیده است. در نامه‌ای از سوی سازمان عفو بین‌الملل چنین آمده است:

مسعود رجوی ۲۱ ساله لیسانسیه علوم سیاسی در اوت ۱۹۷۱ بازداشت و به وسیله یک دادگاه نظامی به اعدام محکوم و سپس این حکومیت وسیله

۱. اصغر حیدری، همان، ص ۵۸۰-۵۸۲

۲. همان، ص ۵۸۴-۵۸۳

۳. همان، ص ۵۸۸

۴. همان، ص ۵۹۱

با پایان کار مجلس خبرگان قانون اساسی و انتشار متن آن در روزنامه‌های کشور برای اطلاع مردم، برخی از شخصیت‌های دینی چون آقایان شریعتمداری و قمی و نیز بعضی گروه‌های سیاسی مانند سازمان مجاهدین برابر سیر تدوین قانون اساسی و یا برخی از قوانین آن مواضع منفی و مخالف گرفتند

اعلیحضرت شاه ایران تبدیل به حبس ابد گردید.

مهم‌ترین اتهامات او سه اتهام بودند، شرکت در:  
۱. نقشه عملی نشده ربودن یک شاهزاده ایرانی [ربودن ناموفق شهرام پسر اشرف پهلوی]؛

۲. طرح عملی نشده ربودن یک تاکسی هوایی [ربودن هواپیمای ایرانی از دبی و انتقال آن به بغداد جهت ایجاد فشار بر رژیم پهلوی با هدف آزادی جمعی از زندانیان سازمان]؛  
۳. تعلق به یک گروه مخالف رژیم.

رجوی از ماه اوت ۱۹۷۱ در زندان بوده است.

او شخصی است که به خاطر حفظ عقیده‌اش زندانی است و سازمان عفو بین‌الملل او را از سال ۱۹۷۳ تحت حمایت خود گرفته است. ما از اعلیحضرت پادشاه ایران تقاضای عفو و آزادی مسعود رجوی را داریم، عفوی که

خبردهنده آزادی همه زندانیان سیاسی ایران باشد.<sup>۱</sup>

بیشتر تلاش‌ها برای رهایی رجوی از مجازات اعدام در خارج از کشور توسط برادر او کاظم رجوي متولد ۱۳۱۲ و عضو هیئت علمی انسستیتوی عالی حقوق بین‌المللی دانشگاه ژنو سوئیس صورت می‌گرفت. وی پس از پیروزی انقلاب ابتدا توسط دکتر کریم سنجابی، وزیر امور خارجه دولت موقت مهندس مهدی بازرگان، به سمت سفیر ایران در سوئیس<sup>۲</sup> و نمایندگی دائمی ایران در دفتر اروپایی سازمان ملل در ژنو منصوب شد و سپس کاردار ایران در سنگال گردید.<sup>۳</sup> بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در پرونده مسعود رجوی سندی یافت شد که ساواکی بودن کاظم رجوي و تلاش‌های او را به خوبی آشکار ساخت. به نوشته نشریه مجاهد:

۱. سند ش ۷۶ در نشریه مجاهد، ارگان رسمی سازمان مجاهدین خلق، ش ۲۸، ص ۱۱، ۱۳۵۱/۱۲/۲۹ و نیز شماره فوق العاده ۹، چند مورد از نامه‌های کمیته سوئیسی دفاع از زندانیان سیاسی ایران در مورد مسعود رجوي البته بدون ترجمه چاپ شده است.

۲. کریم سنجابی، امیدها و نامیدی‌ها (خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجابی)، لندن، جبهه ملیون ایران، ۱۳۶۸، ص ۴۰۷.

۳. سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تافرجام (۱۳۴۴-۱۳۸۴)، به کوشش جمعی از پژوهشگران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۳۹؛ مجاهد، ش ۱۲۲، ۱۳، ص ۱۳۶۰/۲/۷.



پیروزه شریعتی  
سال هشتم شماره ۱۷۵۰ - ۹۰

شماره ۴۵/۶-۱۳۰  
تاریخ ۱۸/۸/۳۵۳۶  
پرسنل دارد



سفارت شاهنشاهی ایران

برن

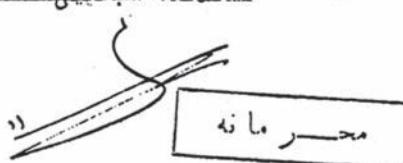
محترم

وزارت امور خارجه - اداره سوم سیاسی

تعدادی کارت که سازمان با صفات اج " عظیمین الملک " بنام مسعود رجوی چاپ نموده و با اندای افراد وابسته با پس سازمان در سوییں طلاق هفته اگذشتہ باین سفارت واعتن شده عیناً " به پیوست ایجاد می‌گردد "

ذعن " رونوشت شش عربیه تقدیمی به پیشوای هیئت اطیح درت همایین شاهنشاه آریامرد رمود مسعود رجیوی با اندای بعض از اعذای سازمان، مذکوکم باین نظر فرستاده شده، به ذمیمه ارسال می‌گردد

سفریشا هنشاه آرامیده است البته ذمیمه



سند شماره ۶

**Texte du Comité Suisse de défense des prisonniers politiques iraniens  
c/o Mme M.-L. Dumuid, 16, av. Jules-Crozier, 1206 Genève**

**Massoud RADJAVI, licencié ès sciences politiques, arrêté en  
1971, condamné à mort à l'âge de 21 ans par un tribunal  
militaire; peine commuée en prison à vie par Sa Majesté le Shah  
d'Iran. Trois chefs d'accusation: participation à:**

- 1) tentative manquée d'enlèvement d'un prince iranien,
- 2) détournement manqué d'un avion-taxi,- appartenance à un groupe d'opposition.

Selon les autorités militaires et la presse iranienne, les deux tentatives manquées ont eu lieu en septembre 1971. Or, RADJAVI était déjà en prison depuis août 1971!  
Il est donc un prisonnier d'opinion adopté depuis 1973 par Amnesty International.

Nous demandons à Sa Majesté le Shah un acte de clémence en libérant Massoud RADJAVI, clémence qui annoncerait ainsi l'ère de la libération de tous les prisonniers politiques iraniens.

سید مسعود رجایی از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۱ در زندان ایران باشید  
که در آن سالهای باعث شدن از این اتفاقات شد که او را از این  
تشرکی به گردید. این اتفاقات از این قدر: تحریک  
۱. تنشی میان فرشته دریان گوچی خلیلی از این

۲. فریب میان فرشته دریان گوچی خلیلی از این

۳. تشنی گوچی خلیلی از این

پایه نشستند و پس از این اتفاقات، تحریک رفته  
سال ۱۳۶۱ آغاز شد. این تحریک از این سالها پیش از آن  
که از این اتفاقات شد، از این اتفاقات شد که این اتفاقات  
از این سالها پیش از آن شد. این اتفاقات شد که این اتفاقات  
پایه نشستند و پس از این اتفاقات شد که این اتفاقات شد.

هزار خود پس از این اتفاقات شد که این اتفاقات شد

۹۳



جنون قدرت  
دوره سوم ■ مال هشتم ■ شماره ۷۶ ■ پیاپی ۹۰

Nom: Pieren, Regino

Address: Schleidbachweg 27  
3600 Thun

ستاد شماره ۷

در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۳ طی حکم شماره ۳۸۶۴ به امضای کمال خرازی معاون [وقت] وزارت خارجه به خدمت دکتر کاظم رجوی در وزارت خارجه خاتمه داده شد و بعد در صحبت تلفنی با او از اتهام رابطه با ساواک صحبت گردید.<sup>۱</sup>

به هر حال متن سند ساواکی بودن کاظم رجوی به تاریخ ۱۳۵۰/۸/۱۵ با طبقه‌بندی سری به این شرح است:

موضوع: منبع میرزا  
محترماً معروض می‌دارد

منظور: کسب دستور در مورد تقاضای نمایندگی ساواک در کشور سوئیس پیرامون کمک به برادر منبع فوق که تحت پیگرد می‌باشد.

خلاصه پیشینه: منبع مذکور از فروردین ماه سال ۱۳۴۹ با مروری ماهانه یک هزار فرانک سوئیس در هدف انجمن‌های اسلامی دانشجویان و همچنین کنفراسیون دانشجویان ایرانی توسط نمایندگی [ساواک در سوئیس] استخدام و از آن تاریخ منبع موصوف تلاش‌های زیادی در اهداف مورد نیاز به عمل آورده است. اینک طبق اعلام نمایندگی، برادر این منبع به نام مسعود رجوی یکی از افراد وابسته به یک گروه چریکی است که اخیراً توسط بخش<sup>۲</sup> ۳۱۲ دستگیر و هم‌اکنون به اتفاق سایر اعضای گروه در بازداشت به سر برداشته شده است.

با توجه به اینکه در مورد پرونده معمول منبع مزبور مشخص گردیده فعالیت‌های این منبع در اهداف مورد ذکر ارزشمند و قابل بهره‌برداری بوده به ویژه با انتشار خبر بازداشت مسعود رجوی نفوذ و دسترسی او در زمینه کسب

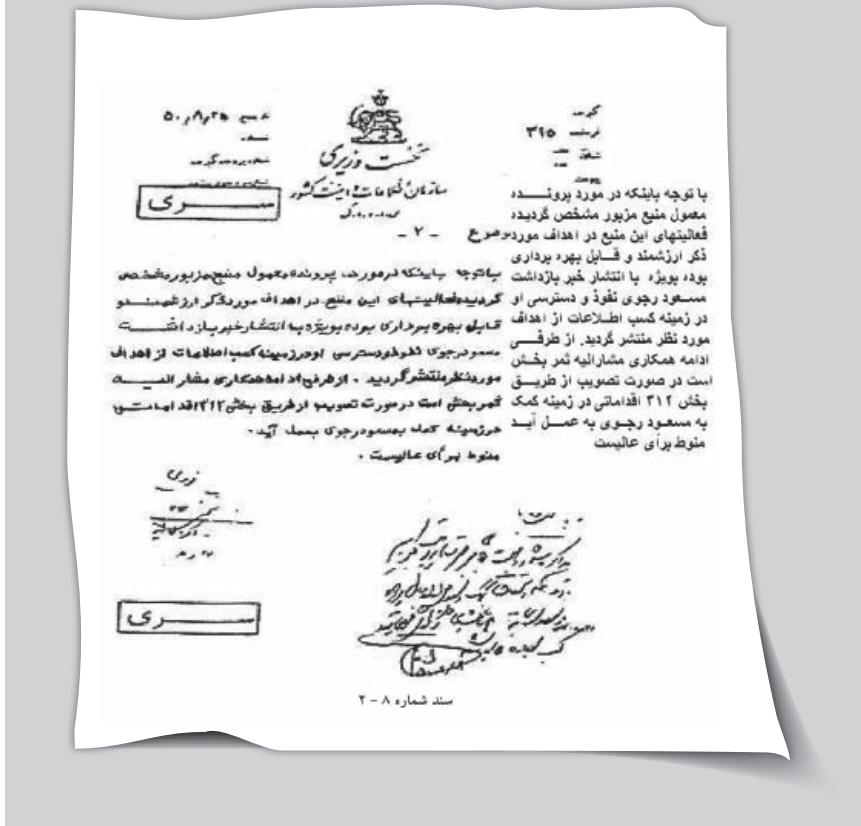
۱. مجاهد، همان، ص ۲۰. سازمان مجاهدین در همین شماره نشریه با چاپ اسنادی به دفاع از کاظم رجوی پرداخته است.

۲. بخش مسئول رسیدگی به امور روحانیان ضد دولتی و سازمان‌های مسلمان مخالف با رژیم پهلوی؛ این بخش از بخش‌های اصلی اداره کل سوم ساواک بود. ارتشید فردوست در مورد این اداره کل می‌نویسد: «این اداره کل مهم‌ترین اداره کل عملیاتی ساواک و مسئول امنیت داخلی کشور محسوب می‌شود و دارای گستره‌ترین تشکیلات وزیر نظر رئیس کل ساواک اداره می‌گشت. مدیران اداره کل سوم ساواک به ترتیب عبارت بودند از: سرتیپ مصطفی امجدی، سرهنگ ناصر مقدم و پرویز ثابتی، در میان ادارات اداره کل سوم، اداره یکم اهمیت ویژه‌ای داشت و مهم‌ترین وظایف آن را کشف سازمان‌ها و تشکیلات براندایی در سطح کشور یا براندایی منطقه‌های و محلی (خودمختاری یا تجزیه) تشکیل می‌داد. هرگونه حرکت سیاسی مخالف با محمد رضا پهلوی در این عنوان جای می‌گرفت و درجات مختلفی داشت: از فعالیت‌های ساده سیاسی گرفته تا تشکیل گروه با مرام و رویه ضد سلطنتی تا قیام مسلحانه و ترور. اداره یکم نیز بر حسب موضوعات کار خود و مسائل تخصصی جانبی به بخش‌ها و دوایر و شعب تقسیم می‌شد...» خاطرات ارتشید فردوست، ج ۱، ص ۲۶۳-۲۶۲.

اطلاعات از اهداف مورد نظر منتشر [خواهد] گردید. از طرفی ادامه همکاری مشارالیه ثمر بخش است. در صورت تصویب از طریق بخش ۳۱۲ اقداماتی در زمینه کمک به مسعود رجوی به عمل آید. منوط به رأی عالی است.



دستور سیمین شماره ۷۶ پیاپی ۹  
جنون فدرات



آقای عبدالیزدانی که در سال ۱۳۵۱ در زندان قزل قلعه به سر می برد در خاطراتش بعد از اشاره به اعدام کادر اصلی سازمان مجاهدین و رهایی مسعود رجوى از حکم اعدام می گوید: رجوى هنگام قدمزنی در حیاط زندان به من گفت برادرم در سفارت ایران در اتریش مسئول تشریفات است وقتی اعلیحضرت رفته بود به آنجا [از شاه] خواسته که آزادم کنند.<sup>۱</sup>

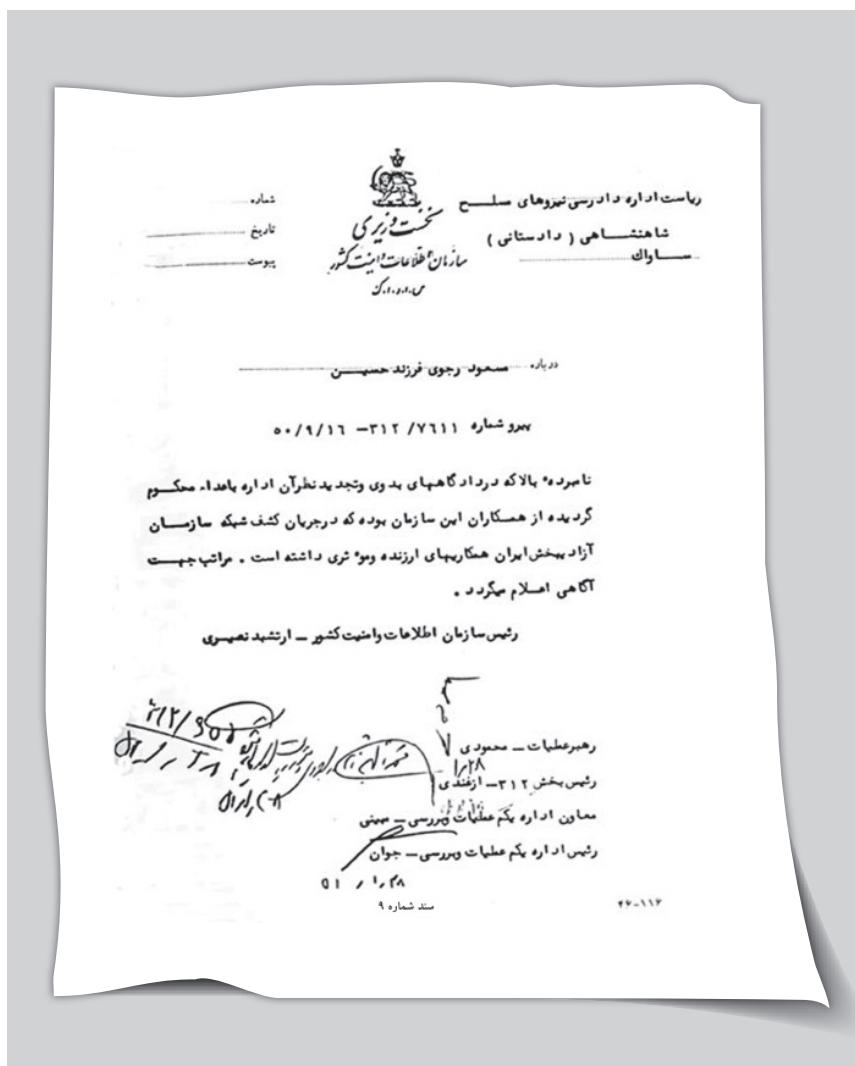
ساواک در نامه به تاریخ ۱۳۵۱/۱/۲۸ خطاب به ریاست اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی (دادستانی) و با امضای ارشبد نصیری رئیس ساواک چنین نوشته است:

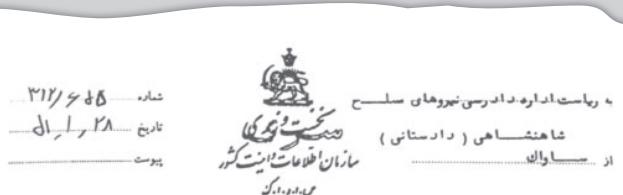
درباره مسعود رجوى فرزند حسين

نامبرده بالا که در دادگاه های بدوي و تجدیدنظر آن اداره به اعدام محکوم

۱. محمدحسن عبدالیزدانی، همان، ص ۲۱۴.

گردیده از همکاران این سازمان بوده که در جریان کشف سازمان آزادیبخش ایران همکاری های ارزنده و مؤثری داشته است. مراتب جهت آگاهی اعلام می گردد. رئیس سازمان اطلاعات وامنیت کشور. ارتشد نصیری.





در پایه مصوبه رجوعی فرزند حسین

بهرو شماره ۵۰/۹/۱۶ - ۳۱۲/۲۶۱۱

نامبرده بالاکه دردار گاههای بد وی و تجدیدنظر آن اداره باعدهم حکمی  
گردیده از همسکاران این سازمان بوده که در جریان کشف شبکه سازمان  
آزاد بیش از ایران همراهی ارزانه و موه شری داشته است . مراتب چهست  
آگاهی اعلام میگردد .

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - ارشید تصریحی

دعا ای روح اسری رهیت علیم برادر  
نه سرکار زیر ای رهیت علیم  
سکریوی .  
A

لائمه: سید ...

سنده شماره ۱۰

۴۶-۱۱۶

پایان چشمکشیده  
مالات

۱۳۵۷/۸/۱۰ شماره ۳۱۲/۶۵  
سال هشتم شعبان ۱۳۵۷

**آزادی از زندان و دیدار با امام خمینی (س)**  
به هر حال مسعود رجوى و برخى دیگر از اعضای اصلی سازمان با حکم ابد همچنان  
در زندان باقی ماندند و اندکی قبل از پیروزی انقلاب از زندان آزاد شدند. در تاریخ  
۱۳۵۷/۸/۱۰ ساواک گزارش کرده بود:  
مجاهدین خلق در اعلامیه‌ای تحت عنوان «رهبر ما خمینی» ضمن تجلیل

از وی خاطرنشان ساخته‌اند که در صورت لزوم، اقدامات قهرآمیز را در کلیه نقاط کشور شروع و ادامه خواهند داد.<sup>۱</sup>

در اول بهمن ۱۳۵۷ مسعود رجوی و موسی خیابانی<sup>۲</sup> بعد از آزادی از زندان در پیامی خطاب به امام خمینی(س) با عنوان «محضر مبارک مجاهد اعظم حضرت آیت‌الله العظمی خمینی» چنین نوشتند: «ما آزادی خود [از زندان ابد رژیم پهلوی] را مدیون مجاهدت و جانفشاری‌های خلق رزمنده و ستم کشیده ایران در پرتو الهامات آن تعییم استوار و سازش ناپذیر هستیم.»<sup>۳</sup>

با اینکه سران سازمان‌های مخالف رژیم پهلوی مانند مجاهدین، چریک‌های فدائی، دموکرات کردستان و... آزادی خود از زندان‌های ابد و نپوسیدن در آن تا هنگام مرگ را مرهون و مدیون انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی(س) بودند، اما از این انقلاب و اهداف متعالی آن خشنود نبودند و در راه پیشرفت و پیشبرد آن هیچ کوششی نکردند. آنان به جای پیوستن به انقلاب کوشیدند انقلاب را تابع خود سازند. لذا براساس جوانقلابی و ملت‌هیب بهمن ۱۳۵۷ به سازماندهی دیگرباره سازمان‌ها و احزابشان و جذب جوانان با هدف دستیابی به قدرت و رسیدن به حاکمیت پرداختند. در رأس این گروه‌ها سازمان مجاهدین (منافقین) قرار داشت.

حضرت امام خمینی برای آنکه سازمان مجاهدین مانند سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ به گرداب مارکسیسم و بی‌دینی گرفتار نشود و در مسیر اسلام و انقلاب حرکت نماید، در

۱. مبارزات امام خمینی به روایت اسناد (از هجرت به فرانسه تا بازگشت به ایران)، تدوین سجاد راعی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۴۵۱.

۲. وی متولد و بزرگ‌شده محله خیابان تبریز و نوه مرحوم شیخ محمد خیابانی بود. آقای محمدحسن عدبیزدانی از مبارزان مسلمان که در تشکیل سازمان مجاهدین خلق، نقش مشورتی و فکری داشت و کارش به زندان و شکنجه در ساوک کشید، در خاطراتش درباره موسی خیابانی می‌گوید: «سازمان مجاهدین در تبریز شکل گرفت و به کل کشور گسترش یافت... پدر خیابانی حاج سیف‌الله کره‌فروش بود که مغازه‌اش در همسایگی منزل ما قرار داشت. از بچگی خیابانی را می‌شناختم... وقتی که خیابانی از کنکور دانشگاه قبول شد، من گزارش او را به حنفی‌زاد که با او دوست و هم‌فکر نزدیک بودم دادم و افزودم که خیابانی قابل جذب است... او بعد از یک و نیم سال غصه مؤثر سازمان شد که در ریومن هواییمای ساوک از دی و بردن به بغداد نقش بسیاری داشت. ولی چون آموزش و تربیت مذهبی او عوامانه بود... وقتی در زندان با افراد الحادی و کمونیست همنشین می‌شد با مقداری بحث و گفت و گو متزلزل می‌شد...» محمدحسن عدبیزدانی، همان، ص ۱۴۲.

۳. مجموعه اعلامیه‌ها و موضع گیری‌های سیاسی مجاهدین خلق ایران (از ۲۸ دی ماه ۱۳۵۷ تا ۴ خرداد ۱۳۵۹)، سازمان مجاهدین خلق ایران، تهران، بهمن ۱۳۵۸-بهار ۱۳۵۹، ۱، چ ۱، ص ۲۰. غنی‌بلوریان از سران حزب دموکرات کردستان نیز در خاطراتش به این حقیقت اشاره کرده و می‌گوید: «پس از سال هارنج و درد و شکنجه، از زندان‌های رژیم پهلوی با قیام مردم ایران آزاد شدیم». غنی‌بلوریان، ثالث کوک (برگ سبز)، خاطرات غنی‌بلوریان، ترجمه رضا خیری مطلق، تهران، رسا، ۱۳۸۴، ص ۳۳۹. تمام زندانیان سیاسی، رهایی خود از زندان‌های مخفوف و شکنجه‌گاه‌های رژیم پهلوی را مدیون انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی بوده و هستند. آنها که وامدار و مدیون مردم ایران بودند، با همین مردم چه کردند؟!



ششم اردیبهشت ۱۳۵۸ جمعی از رهبران سازمان از جمله رجوی و خیابانی را در شهر قم به حضور پذیرفتند. خبر این دیدار در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۸ به صورت بسیار خلاصه چاپ شد. خیابانی بعداً در مورد سخنان امام خطاب به آنان چنین گفت:

[امام] خمینی گفت من تاکنون علیه شما حرفی نزدهام، اما هر وقت که ببینم شما خارج از اسلام هستید خواهم گفت... خلاصه و چکیده صحبت مادر برابر [امام] خمینی عبارت بود از آزادی و در مقابل [امام] خمینی ضمن سفارش ما به اصطلاح به اسلام، در لفافه خواست تا مبارزه علیه مارکسیست‌ها رابر دوش ما بگذارد.<sup>۱</sup>

از این دیدار و گفت و گو نوار و متن رسمی تهیه نشد. اما سران منافقین به صورت پنهانی ضبط صوت و دوربین با خود داشتند و ضمن گرفتن عکس امام خمینی (س) در حالی که رجوی و خیابانی در دو طرف ایشان نشسته بودند گفت و گوها را ضد بط کردند. سپس برخی از اعضای بلندپایه سازمان اجازه یافتند به این نوار گوش دهند. رضا کیوان نژاد از اعضای مهم سازمان که از سال ۱۳۵۴ در زندان به سازمان پیوسته بود از کسانی بود که به این نوار گوش داد. به گفته وی بخشی از صحبت‌های امام خطاب به کادر رهبری سازمان چنین بود:

شما جوانید، الان انقلاب شده و مردم ما متحول شده‌اند. باید دست به همدیگر بدھیم برای سازندگی و شمامی توانید اشکالاتتان را بطرف کنید. اگر اشتباهی بوده مربوط به گذشته است. بروید خودتان را اصلاح کنید و بعد با توجه به [اصلاح] اشتباهتان بروید تبلیغ کنید و بروید با مردم باشید، خدا هم کمکتان می‌کند.<sup>۲</sup>

اما متأسفانه سازمان مجاهدین بدون اصلاح اشتباهها و در حالی که اشتباه‌های بزرگ‌تری مرتکب می‌گردید در برابر انقلاب اسلامی ایستاد و موضع خشن و ضد آن گرفت. آنان در واقع همه‌چیز و از جمله حاکمیت را برای خود می‌خواستند و دچار جنون قدرت شده بودند. سعید شاهسوندی عضو کادر مرکزی سازمان در این مورد می‌نویسد: ادعای سازمان در داخل خود و برای لایه‌های میلیشیا [اعضای مسلح غیرنظامی سازمان] این بود که در آینده نزدیک با جمهوری اسلامی در گیری نظامی

۱. مجاهد، ش. ۱۲۹، ۱۴/۴/۱۳۶۰.

۲. کارنامه سیاه؛ مناظره زندانیان اوین، تهران، دادستانی انقلاب اسلامی مرکز، ۱۳۶۲، ج. ۱، ص ۱۳۵-۱۳۴.

خواهیم داشت و حتی در تحلیل‌های اولیه در اوایل پیروزی انقلاب، زمان در گیری راسه ماه و سپس ۶ ماه بعد از انقلاب دانسته و بعد هم گفته می‌شد که در آن صورت عماهه کل را تمام خواهیم کرد و حکومت را خواهیم گرفت.<sup>۱</sup> هادی شمس حائری از اعضای بلندپایه سازمان و از نزدیکان به مسعود رجوی نیز در این مورد می‌نویسد:

سازمان مجاهدین با این تصور که پیروزی انقلاب مدیون مبارزات و از جان گذشتگی‌ها و خون‌هایی است که آنها [در مبارزه با حکومت پهلوی] داده‌اند خود را صاحب و مالک حکومت می‌دانستند و از اینکه [امام] خمینی حق آنها را غصب کرده به خود می‌پیچیدند و می‌خواستند با خشونت و از موضع قدرت، حکومت خود را از چنگ [امام] خمینی درآورند و رهبری مردم را به دست گیرند. سازمان مجاهدین که در آن موقع اکثرًا جوانانی بی‌تجربه و غیرسیاسی بودند مبارزه را تنها به معنی قبضه کردن حکومت می‌دانستند و لذا از همان ابتدا بدون اتکابه مردم و با استراتژی... رخنه و نفوذ در درون رژیم و با هیاهو و صحنه‌سازی قصد کودتا و تصاحب قدرت را داشتند و از طرفی در صورت احتمال شکست در این طرح، خود را برای برخورد مسلحانه با رژیم آماده می‌کردند و این از چشم رژیم پنهان نبود...<sup>۲</sup>

... سازمان مجاهدین در دوره‌ای که بدان فاز سیاسی نام داده بودند در فکر انتقال قدرت از بالا و رخنه در ارتش و در صورت امکان تصاحب قدرت از طریق کودتا بود.<sup>۳</sup>

... مجاهدین از همان فرداي ۲۲ بهمن [۱۳۵۷] خود را برای مبارزه با رژیم، تنها از این زاویه که حکومت حق آنان است نه از این بابت که رژیم ضدآزادی و سرکوبگر و نامشروع است [!؟] آماده می‌کردند.<sup>۴</sup>

غنى بلوريان از رهبران حزب دموکرات کرستان که چند سال با اعضای سازمان مجاهدین در یک زندان به سر برده بود و با روحيات آنها به صورت کامل آشنایی داشت نیز در مورد قدرت خواهی آنان می‌گويد:

مجاهدین چون از نظر سیاسی سابقه کمتری داشتند نتوانستند قدم به قدم

۱. دو مقاله از انوشیروان لطفی و سعید شاهسوندی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اطلاعات، ۱۳۶۷، ص ۵۷.

۲. هادی شمس حائری، مرداد، چاپ خارج از کشور، ۱۳۷۵، ص ۱۱.

۳. همان، ص ۱۲.

۴. همان، ص ۲۲.

به سوی اهداف خود حرکت کنند. آنها می‌خواستند یک روزه ره صد ساله را طی کنند و حکومت را در دست بگیرند. آنها با این خیال خام دست به اسلحه برندند و در خیابان‌های شهرها به مقابله با حکومت پرداختند تا مردم ایران از آنها پشتیبانی کنند... حرکت‌های آنها بیشتر به ضرر خودشان بود.<sup>۱</sup>

### مخالفت سازمان مجاهدین با قانون اساسی

برای اینکه قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی با دقت تمام تدوین گردد، در ۱۴ تیر ۱۳۵۸ لایحه قانونی انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی از تصویب شورای انقلاب گذشت و این مجلس بعد از ثبت نام داوطلبان و انجام انتخابات، در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ افتتاح گردید و کار خود را که تدوین قانون اساسی بود آغاز نمود.<sup>۲</sup> البته طرح مقدماتی قانون اساسی در پاریس در زمان تبعید امام خمینی و به دستور ایشان توسط آقای دکتر حسن حبیبی نوشته شده بود<sup>۳</sup> و مجلس خبرگان قانون اساسی آن را نیز مورد توجه قرار داد.

در این میان، مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین (منافقین) نامزد مجلس خبرگان قانون اساسی گردید<sup>۴</sup> تا بتواند اندیشه‌های التقاطی، انحرافی و خطرناک خود و سازمانش را در قانون اساسی جمهوری اسلامی وارد نماید. اما با تمام کوشش و تلاش احزاب و اشخاص موافق با او و تبلیغات دامنه‌دار اعضا و هواداران سازمان، بیشتر از ۲۹۷۷۰ رأی نیاورد<sup>۵</sup> و به مجلس خبرگان قانون اساسی راه نیافت. همین شکست عاملی در مخالفت سازمان با مجلس مذکور و قانون اساسی تنظیم و تدوین شده آن مجلس گردید. با پایان کار مجلس خبرگان قانون اساسی و انتشار متن آن در روزنامه‌های کشور برای

۱. غنی بلوریان، ثالثه کوک (برگ سبز)، همان، ص ۳۵۲.

۲. برای مطالعه مژاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی و چگونگی تدوین قانون اساسی رک: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، چهار جلد.

۳. کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۱۳، ص ۳؛ از مصاحبه آقای صباغیان وزیر کشور دولت مؤقت مهندس بازرگان، ابوالحسن بنی صدر که در سال ۱۳۵۷ در پاریس به سر می‌برد در خاطراتش می‌گوید: «دکتر حبیبی با ترجمه قانون اساسی فرانسه، پیش‌نویس قانون اساسی را با همراهی فتح‌الله بنی صدر ابرادر ابوالحسن بنی صدر و احمد صدر حاج سید جوادی در پاریس نوشت که در اختیار [امام] خمینی قرار گرفت». خاطرات ابوالحسن بنی صدر، انتشارات انقلاب اسلامی (خارج از کشور)، شهریور ۱۳۸۰، ص ۶۲. به گفته آقای منتظری: «مرحوم امام در پاریس به دکتر حبیبی گفته بودند که پیش‌نویس قانون اساسی را بنویسند و ایشان هم با کمک برخی آقایان آن را در ۱۵۱ تنظیم کرده بودند و او اصل‌هایی از آن را بالهای از قانون اساسی فرانسه نوشت». خاطرات آیت‌الله منتظری، چ ۱، ص ۴۵۱ و ۴۵۸ در زمستان سال ۱۳۸۴ به هنگام تحصیل در دوره کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، در بنیاد ایران‌شناسی از استاد آقای دکتر حبیبی پرسیدم آیا ایشان نسخه اولیه (مقدماتی) قانون اساسی را در پاریس نوشتند که پاسخ ایشان مشتبث بود.

۴. مجاهد، ش ۱، ص ۳، اول مرداد ۱۳۵۸.

۵. کیهان، ۱۳۵۸/۱۱/۲، ص ۱ و ۱۱/۳، ص ۱۳۵۸.

اطلاع مردم، برخی از شخصیت‌های دینی چون آقایان شریعتمداری<sup>۱</sup> و قمی<sup>۲</sup> و نیز بعضی گروه‌های سیاسی مانند سازمان مجاهدین برابر سیر تدوین قانون اساسی و یا برخی از قوانین آن موضع منفی و مخالف گرفتند. سازمان مجاهدین به دستور مسعود رجوی طی اعلامیه‌ای در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۵۸ مفاد هفتگانه‌ای منتشر ساخت و افزود: «تا زمانی که پیشنهادهای هفتگانه آنها در متن قانون اساسی مراعات نگردد به قانون اساسی رأی مثبت نخواهد داد.» این مفاد هفتگانه عبارت بودند از:

۱. محدود نمودن حقوق مالکیت و تصرف در چارچوب قرآن؛
۲. منوط کردن بهره‌وری از زمین و محصول به کسی که بروی آن کار کرده است؛
۳. تصریح حاکمیت مردم که جملگی خلیفه و جانشین خدا در زمین بوده وارد خود را تنها از طریق یک مجلس و یک قانون واحد انقلابی و اسلامی بیان می‌کنند؛
۴. اداره و تصدی کلیه امور کشور از طریق شوراهای واقعی؛
۵. اعاده حقوق همه ملت‌ها و اقدام مبنی بر تعیین سرنوشت و اداره کلیه امور داخلی شان در چارچوب تمامیت ارضی خدشنه‌ناپذیر کشور؛
۶. تضمین آزادی احزاب و گروه‌ها؛

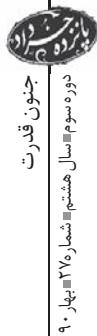
## ۷. الغای تمام قراردادهای ننگین استعماری و قطع همه وابستگی‌های

۱. در مورد مخالفت آقای شریعتمداری با قانون اساسی رک: اصغر حیدری، حزب خلق مسلمان ایران، تهران، کیهان، ۱۳۸۷، ج، ۱، ص ۱۸۵-۱۷۵ و نیز مقاله «آیت‌الله شریعتمداری و ولایت‌فقیه» به قلم نگارنده در سایت اینترنتی مرکز استناد انقلاب اسلامی، ۱۱ دی ۱۳۸۷ درج شده است.

۲. مخالفت قمی با قانون اساسی در مصاحبه وی با روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۰ درج شده است. گفته‌های او در مصاحبه مذکور چیزی بیش از فحاشی علیه انقلاب اسلامی و نهادهای انقلابی و پریشان‌گویی نیست. وی می‌گوید: «همین حرف‌های در محض امام خمینی بیان داشتم و امام در جواب سکوت کردند.» همان شماره روزنامه، لاید معنی سکوت امام خمینی مشخص است: مخالفت آقای قمی با امام خمینی از چند سال پیش تر شروع شده و به اطلاع سواک نیز رسیده بود. در گزارش خیلی محترمانه سواک به تاریخ ۱۳۵۷/۲/۲ چنین می‌خوانیم: «در ایام نوروز در منزل آیت‌الله قمی بحث در خصوص جریانات اخیر به خصوص خمینی بود و آیت‌الله قمی اظهار می‌داشت: معلوم نیست چرا مولت این قدر اجازه می‌دهد از خمینی اسم برده شود. حجت‌الاسلام سید محمد روحانی خطاب به آیت‌الله قمی گفت: بهترین وسیله برای مبارزه با خمینی شما هستید که فعل‌آژ مخالفان سرسخت خمینی هستید و اینها [احکومت] بایستی از وجود شما در مبارزه با خمینی جدا کثر استفاده را بکنند. آیت‌الله قمی این مطلب را تایید کرد. وی معتقد بود چون مقامات خارجی، خمینی را تأیید می‌نمایند لذا دولت نمی‌تواند آن طور که باید و شاید با او مبارزه کند و الا من (قمی) بهترین وسیله هستم که با زبان و لباس خودش با او مبارزه کنم به خصوص که از لحاظ دینی و شرعی هم با او مخالفم...»

نظریه: چنانچه دستگاه بتواند به طریقی از ناحیه سید محمد قمی (پسر آیت‌الله) و یا سید محمد روحانی، آیت‌الله قمی را در مسیر مخالفت با خمینی هدایت نماید بهترین وسیله برای مبارزه با خمینی می‌باشد و نتیجه مطلوب عاید می‌شود.»

مبارزات امام خمینی به روایت استناد (دوران تبعید در نجف)، تدوین غلامعلی پاشازاده، تهران، مرکز استناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، سند ش ۱۱۴، ص ۳۳۴-۳۳۳.



ب



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران  
۱۳۹۰

امپریالیستی و ملی کردن کلیه سرمایه‌گذاری‌ها و سهام مربوط.<sup>۱</sup>  
اما با پشتیبانی امام خمینی(س) از کار مجلس خبرگان قانون اساسی، متن آن درنهایت  
تدوین گردید و در روزهای ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به همه‌پرسی گذاشته شد و با آراء موافق  
۱۵۶۸۰۳۳۹ رأی از مجموع ۱۵۷۵۸۹۵۶ آراء اخذشده، به تأیید ملت ایران رسید.<sup>۲</sup>

## رئیس جمهور در پیش‌نویس قانون اساسی

پس از رأی قاطع مردم ایران به جمهوری اسلامی در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ و اعلام رسمی برقراری نظام جمهوری اسلامی توسط حضرت امام خمینی(س)، مراحل اساسی تثبیت نظام و انقلاب، تدوین و تصویب قانون اساسی و برآسas آن برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بود. انتخابات ریاست جمهوری چنان بالهمیت بود که قبل از تدوین و تصویب قانون اساسی، افرادی به عنوان نامزد ریاست جمهوری مطرح شدند؛ چنان‌که مهندس سازگان رئیس دولت وقت در مصاحبه‌ای به تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۵ نامزدی خود را برای ریاست جمهوری نفی نکرد<sup>۳</sup> و مرحوم آیت‌الله طالقانی نیز که از چهره‌های شاخص برای ریاست جمهوری شمرده می‌شد، در مرداد ۱۳۵۸ نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری را پذیرفت.<sup>۴</sup>

- در پیش‌نویس قانون اساسی، مهم‌ترین وظایف و اختیارات رئیس جمهور عبارت بودند از:
۱. برقراری ارتباط سه قوه مقننه، قضاییه و مجریه؛ (اصل ۱۶)
  ۲. اعمال قوه مجریه توسط رئیس جمهور و هیئت وزیران؛ (اصل ۱۹۹)
  ۳. بالاترین مقام رسمی در امور داخلی و روابط بین‌المللی و مسئول اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه؛ (اصل ۷۵)
  ۴. توشیح قوانین؛ (اصل ۸۳)
  ۵. درخواست تجدیدنظر در قوانین از مجلس؛ (اصل ۸۴)
  ۶. پیشنهاد همه‌پرسی برای تصویب عهدنامه یا لایحه؛ (اصل ۸۶)
  ۷. انتخاب نخست‌وزیر؛ (اصل ۸۷)
  ۸. انحلال مجلس از طریق اعلان همه‌پرسی آن گاه که بین قوه مجریه و مقننه اختلاف به وجود آید و توافق ممکن نگردد؛ (اصل ۸۹)

۱. اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۲۴، ص ۱۲.

۲. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، همان، ج ۴، ص ۳۰۷.

۳. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱/۱۵.

۴. همان، ۱۳۵۸/۵/۱۱.

۹. اعلان عفو عمومی پس از تصویب مجلس شورای ملی؛ (اصل ۹۰)
۱۰. اعطای نشان‌ها و عنوان‌های افتخاری؛ (اصل ۹۱)
۱۱. اعلان جنگ و مبارکه آن و پیمان صلح پس از تصویب مجلس شورای ملی؛ (اصل ۹۵)
۱۲. رئیس جمهور باید مسلمان، ایرانی‌الاصل و تابع ایران باشد. (اصل ۷۶)<sup>۱</sup>
- اما براساس فصل نهم متن قانون اساسی تصویب شده، مهم‌ترین اختیارات رئیس جمهور عبارت بودند از:
۱. عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری؛
  ۲. مسئول اجرای قانون اساسی؛
  ۳. ریاست قوه مجریه؛
  ۴. مضای مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای ایران با سایر دولت‌ها؛
  ۵. مسئول امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور؛
  ۶. معرفی وزرا به مجلس و عزل وزرا؛
  ۷. تعیین سفرای ایران در کشورهای دیگر؛<sup>۲</sup>
  ۸. ریاست شورای عالی امنیت ملی.<sup>۳</sup>

در ضمن به شرایط رئیس جمهور علاوه بر ایرانی‌الاصل و داشتن تابعیت ایران (مورد اشاره در اصل ۷۶ پیش‌نویس قانون اساسی) موارد زیر اضافه گردید: «مدیر، مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوه، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور».<sup>۴</sup> همان‌گونه که از مقایسه اختیارات رئیس جمهور در پیش‌نویس قانون اساسی با متن تصویب شده آن بر می‌آید، اختیارات زیادی از رئیس جمهوری سلب و طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی در اختیار مقام رهبری قرار گرفته است، مانند فرمان‌همه‌پرسی، تنظیم روابط قوای سه‌گانه، عفو یا تخفیف مجازات محاکومان در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و اعلان جنگ و صلح. مسئله انحلال مجلس نیز در متن قانون اساسی تصویب شده درج و ثبت نگردید.

با وجود اینکه اختیارات رئیس جمهور در متن قانون اساسی از پیش‌نویس آن کمتر بود اما هنوز مقام ریاست جمهوری به اندازه‌ای اختیار و مسئولیت داشت که تشنگان

۱. همان، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص ۵-۶. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، همان، ج ۴، ص ۲۱-۵.

۲. فصل نهم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸.

۳. اصل ۱۷۸ قانون اساسی.

۴. اصل ۱۱۵ قانون اساسی.

مجاهدین قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در عمل ثابت کردند که حاضر به تحمل گروه‌ها، احزاب، مطبوعات مخالف و حتی متقد خود نیستند

قدرتی چون مسعود رجوی برای تصاحب آن به تکاپو و تلاش شدیدی بپردازند.

### پیشنهاد ریاست جمهوری امام خمینی(س)

اگرچه رجوى به دنبال تصاحب مقام ریاست جمهوری بود اما در شیطنتی عجیب پیشنهاد کرد امام خمینی ریاست جمهوری را بپذیرد. یقیناً او در این امر اهداف منافقانه‌ای همچون اشاعه تلویحی اتهام ریاست خواهی و قدرت طلبی امام را در نظر داشت. نشريه مجاهد به دستور رجوى در این مورد نوشت:

سازمان مجاهدین خلق ایران با توجه به مجموعه اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود و با در نظر گرفتن کلیه مسائل و شرایط ملی و بین‌المللی می‌هنمان شخص رهبری انقلاب امام خمینی را شایسته ترین انتخاب برای تصدی مقام ریاست جمهوری دانسته و آرای خود را در رأی گیری آینده به شخص ایشان خواهد داد. توضیح‌آمود ذکر می‌گردد قبیل از رحلت پدر طالقانی امید ما این بود که با احراز این مسئولیت از جانب پدر، زحمات امام کمتر شود. لیکن در شرایط حاضر ناگزیریم که از حضور امام استدعا کنیم به خاطر وحدت کلمه ضدامپریالیستی تمام صفو خلقمان و به خاطر ممانعت از پیشرفت مجدد سرمایه‌داری وابسته و پایگاه‌های لیبرالش و به منظور تأکید بر حقوق همه مناطق و ملت‌های وطنمان زحمات و فشارهای مضاعف را نیز پذیرا شده و مسئولیت ریاست جمهوری را شخصاً تقبل نمایند. به نظر ما با تقبل این مسئولیت از جانب امام و جمع شدن مسئولیت‌های رهبری و ریاست جمهوری در شخص ایشان، یکی از نقاطیص قانون اساسی مبنی بر دولتی مراکز تصمیم‌گیری و عملکرد... خنثی شده و عاقب بازدارنده آن منتفی خواهد گردید. بدیهی است برادر احمد خمینی حسب المعمول از مدد نمودن به امام در امور اجرایی دریغ نکرده و خواهد توانست به عنوان مشاور یا دستیار مقداری از زحمات ایشان را کاهش دهد.

بنابراین مامیدواریم با یکی شدن مسئولیت‌های رهبری و ریاست جمهوری در شخص امام و انتقال ایشان [از شهر قم] به تهران و قرار گرفتن بیشتر در دسترس عموم اقشار و نیروها و سازمان‌های انقلابی، وحدت ضدامپریالیستی

تمام نیروها هر چه بیشتر تأمین شده و وساایل پیروزی نهایی انقلاب رهایی بخش ضد امپریالیستی و اسلامی ما هر چه زودتر تکمیل گردد...<sup>۱</sup>

### نامزدی رجوی برای ریاست جمهوری

از ۱۲۸ آذر ۱۳۵۸ ثبت نام نامزدهای ریاست جمهوری آغاز گردید. در هفته دوم دی ماه چهره‌های مطرح در روزهای آغاز فعالیت‌های انتخاباتی عبارت بودند از: ابوالحسن بنی صدر، داریوش فروهر، احمد مدنی، جلال الدین فارسی و حسن حبیبی. در این میان سازمان مجاهدین نیز رهبر خود مسعود رجوی رادر ۱۵ دی ۱۳۵۸ به عنوان نامزد ریاست جمهوری معرفی کرد.<sup>۲</sup>

در ۱۶ دی ۱۳۵۸ معاون سیاسی وزارت کشور با صدور اطلاعیه‌ای، اسمی ۱۰۶ نفر از نامزدهای واجد صلاحیت برای انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری را اعلام کرد. البته تعداد ثبت‌نام کنندگان ۱۲۴ نفر بودند که از این میان ۱۸ نفر به دلایل گوناگون از سوی وزارت کشور حذف شدند.<sup>۳</sup>

سازمان مجاهدین با انتشار اطلاعیه‌ای از کلیه هواداران و علاقه‌مندانش خواست کمک‌های مالی خود را جهت پیشبرد تبلیغات به نفع رجوی به حساب شماره ۱۲۰۰ بانک صادرات شعبه پیج‌شمیران واریز کنند.<sup>۴</sup>

طبق بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در قانون اساسی درج شده باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان [که هنوز تشکیل نشده بود] و در دوره اول به تأیید رهبری می‌رسید. اما با توجه به حجم زیاد داوطلبان اولین دوره ریاست جمهوری، امام خمینی در ۱۴ دی ماه با دعوت از ملت ایران برای شرکت جدی در انتخابات ریاست جمهوری مرقوم فرمودند:

با اینکه در این دوره به حسب قانون اساسی مصوب از ناحیه ملت تصدیق صلاحیت رئیس جمهور و واجد بودن شرایط او به عهده اینجانب است، به واسطه بعضی مصالح و جهات لازم المراعات از آن جمله وضع استثنایی

۱. مجاهد، سال اول، ش ۱۶، ۱۰/۴، ۱۳۵۸/۱۰/۴، ص ۱ و ۱۲.

۲. همان، سال اول، ش ۱۸، ۱۰/۱۸، ۱۳۵۸/۱۰/۱۸، ص ۱.

۳. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۰/۱۶.

۴. همان، ۱۳۵۸/۱۰/۱۷. مجاهد، همان، ص ۱۲.

که کشور دارد، لازم است در این امر مهم حیاتی تأخیر نشود. از طرفی شناسایی بیش از ۱۲۰ نفر محتاج به زمانی طولانی است و تأخیر در این حالت استثنایی به صلاح ملت و کشور نیست. به این جهت وجهات دیگر اینجانب امر صلاحیت و انتخاب را به ملت واگذار نمودم که خود سرنوشت خویش را تعیین نمایند.<sup>۱</sup>

### صاحبہ مطبوعاتی و برنامه‌های انتخاباتی رجوی

به دنبال اعلام نامزدی رجوی، مصاحبہ مطبوعاتی سازمان مجاهدین خلق با شرکت گروهی از اعضای کادر مرکزی مانند رجوی، خیابانی، عباس داوری، مهدی ابریشمچی، مهدی فیروزیان، محمد سیدی کاشانی در ۱۵ دی ماه ۱۳۵۸ ترتیب داده شد. در این مصاحبہ ابتدا موسی خیابانی در مورد هدف سازمان از کاندیداتوری رجوی برای ریاست جمهوری گفت:

... هدف مورد نظر ما عبارت است از تداوم بخشیدن به انقلاب خلقمان و جهت‌گیری درست مبارزه ضدامپریالیستی و کوشش برای جلوگیری از انحرافات... ما به شعار انقلابی «بعد از شاه نوبت امریکا است» وفادار بوده و هستیم... ما در مورد مسئله ریاست جمهوری... وقتی بعد از رفراندوم قانون اساسی در زمینه تصمیم‌گیری‌های سیاسی مسئله انتخابات ریاست جمهوری به عنوان مهم‌ترین مسئله مطرح شد؛ بعد از دقت‌ها و بحث‌های کافی و بعد از بررسی همه جوانب امر به این نتیجه رسیدیم که کلیه نیروهای سیاسی جامعه و من جمله خودمان و به عبارت دیگر چه آنها‌ی که در رفراندوم قانون اساسی شرکت کرده‌اند و چه آنها‌ی که شرکت نکردن و یا صرف نظر از هر رأی که دادند موافق یا مخالف، باید تا آنجایی که جو و فضای سیاسی حاکم بر جامعه اجازه می‌دهد بکوشند و فعالانه با امر انتخابات ریاست جمهوری برخورد کنند تا ما بتوانیم با انتخاب شایسته‌ترین و مناسب‌ترین فرد برای این مقام حساس، حتی المقدور در کادر همین قانون اساسی مصوب، پیشرفت‌ها و پیروزی‌های انقلابی و ضدامپریالیستی هر چه بیشتری را به

۱. اشاره به اوضاع کشور با توجه به فتنه گروههای تجزیه‌طلب در آذربایجان، کردستان، خوزستان و... و اغتشاش گروههای سیاسی چون مناقیقین، چریک‌های فدایی و...؛ دولت وقت هم بعد از تسخیر جاسوسخانه امریکا استغفار داد و شورای انقلاب کشور را اداره می‌کرد.  
۲. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۰/۱۶، ص. ۱۲.

فعالیت‌های تبلیغاتی سازمان مجاهدین برای پیشی گرفتن رجوی از سایر کاندیداهای ریاست جمهوری به طور گستره‌ای دنبال می‌شد. نحوه تبلیغات، اهداف مشکوک و به ویژه رأی ندادن رجوی و سازمان مجاهدین به قانون اساسی و اعلام آشکار آن از سوی سازمان، مسئولان انتخابات و نظام و نیز مردم مسلمان و انقلابی را به شدت نگران ساخت

دست بیاوریم... ما قبلاً طی اعلامیه‌ای شخص امام خمینی را برای مقام ریاست جمهوری در اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران کاندید کردیم. دلیل اصلی مان این بود که در اوضاع و احوال کنونی، امام خمینی تنها کسی است که می‌تواند در جهت تأمین هر چه بیشتر و حدت تمام اقشار و طبقات جامعه ما و جلوگیری از تفرقه‌ها و تشتت‌ها این مقام را حائز بشود. ما الان هم برای نظر هستیم و معتقدیم که باز هم امام مناسب‌ترین و شایسته‌ترین انتخاب است. اما متوجه شدیم که گویا امام بناندارند شخصاً این مقام را احراز کنند ولذا مادر ادامه همان خط شرکت فعالان در امر ریاست جمهوری در صدد برآمدیم کاندیدای دیگری را معرفی کنیم و برادرمان مسعود رجوی را نامزد کردیم.<sup>۱</sup>

وی در بخش دیگری از سخنانش در مورد اینکه چرا مسعود رجوی برای نامزدی ریاست جمهوری معرفی شده است، گفت:

ما طالب یک فرد انقلابی بودیم، فردی که انقلاب خلق ما را و آرمان‌های انقلابی خلق ما را عمیقاً درک کرده باشد و بتواند بار یک رسالت مکتبی اسلامی را به دوش بکشد. شرط دیگر این بود که کاندیدای ریاست جمهوری ما کسی باشد که با بینش علمی و انقلابی، دشمن اصلی خلقمان را شناخته باشد و همچنین به تضادها و تناقضات موجود در جامعه اعلم از مسئله ملیت‌ها، مسئله زنان، مسئله مذاهب و مسائل اقشار محروم جامعه بالاخص کارگران و دهقانان واقف باشد و بتواند در چارچوب آرمان‌های رهایی بخش و انقلابی و متناسب با شرایط کنونی جامعه یک برنامه کاری داشته باشد. کاندید محبوب ما می‌باشد فردی صاحب‌نظر، مکتبی، انقلابی، ضدامپریالیست و در خدمت اقشار و طبقات محروم جامعه باشد... در میدان عمل امتحان خود را پس داده باشد و از طرف دیگر این فرد باید وسیله لازم جهت تضمین صحت، عملی

۱. مجاهد، همان، ص. ۲



بودن و همه‌جانبگی برنامه‌هایش را داشته باشد و وسیله‌ای که اجرای چنین برنامه‌هایی را تضمین بکند داشته باشد. این وسیله از نظر ما همان سازمان انقلابی [سازمان مجاهدین خلق ایران] است. وقتی بررسی کردیم اینها رادر وجود برادرمان [مسعود رجوی] جمع دیدیم و بدین دلیل بود که برادرمان مسعود را نامزد مقام ریاست جمهوری کردیم... به اعتقاد ما سازمان مجاهدین خلق ایران در مدت ۱۵ سال موجودیت و مبارزه خود با کاندید کردن برادر مجاهد مسعود رجوی قدم دیگری در مسیر تحقق آرمان‌های انقلابی خلقمان برمی‌دارد...<sup>۱</sup>

پس از پایان سخنان خیابانی، مسعود رجوی متعاقب مجلس گرمی با سخنان ضدامیریکایی و ضرورت مبارزه با آن گفت:

حضور فعال ما مجاهدین در صحنه انتخابات ریاست جمهوری مبین یک آزمایش بزرگ تاریخی نیز هست، آزمایشی که از هر حیث این انتخابات را از نظایرش در کشورهای دیگر ممتاز می‌کند؛ یک تفاوت و تمایز کیفی شاید هم تعیین کننده و سرنوشت‌ساز چراکه شاید در تاریخ سازمان‌های انقلابی مسلح در تاریخ معاصر، این جدیدترین تجربه‌ای است که بر حسب آن سازمانی که در دوران دیکتاتوری سلطنتی به مبارزه شهری پارتیزانی اشتغال داشته در میدان مبارزات سیاسی کاندیدای ریاست جمهوری بشود.<sup>۲</sup>

سپس رجوی برنامه‌های انتخاباتی خود را به این شرح اعلام داشت:

۱. تشکیل شوراهای مردمی برای اداره امور مختلف سیاسی و اقتصادی به منظور تأمین حکومت مردم بر مردم؛
۲. تأمین وحدت ضدامپریالیستی تمام خلق از طریق:
  - الف. افشا و لغو کلیه قراردادهای اسارت‌بار امپریالیستی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی؛
  - ب. ملی کردن تمام سرمایه‌های وابسته؛
  - ج. رشد تولیدات ملی اعم از کشاورزی و صنعتی برای مقابله با وابستگی اقتصادی؛
  - د. در مقطع کنونی مبارزه معلیه امپریالیسم نباید فقط به استرداد شاه

۱. همان.

۲. همان.

- محدود شود. این تنها یکی از خواسته‌های حقه ماست. بلکه این مبارزه باید تا قطع کامل تمام وابستگی‌ها به امپریالیسم و در رأس آن امریکا ادامه یابد.
۳. استقلال، تمامیت ارضی و تأمین حاکمیت مردم ایران بر سرنوشت‌شان و سیاست خارجی ما باید دقیقاً بر مبنای عدم تعهد استوار باشد؛
  ۴. تضمین آزادی کامل عقیده، بیان، قلم، مطبوعات، احزاب و کلیه اجتماعات سیاسی و صنفی با هر عقیده و مرام؛
  ۵. تأمین حقوق ملیت‌ها در کلیه مناطق کشور... از جمله کردستان؛
  ۶. تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی خلق یا میلیشیا (چریک نیم وقت مردمی برای مقابله توده‌ای با حملات و تهدیدهای امپریالیستی)؛
  ۷. تضمین شرایط و حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مساوی برای زنان و مردان کشور؛
  ۸. استقرار مساوات اسلامی میان شیعیان و برادران اهل تسنن و رفع تبعیض بین کلیه اتباع ایران اعم از تشیع و تسنن و سایر مذاهب و ادیان توحیدی؛
  ۹. زمین برای دهقان، کار برای کارگر. در مرحله کنونی اجرای موارد زیر ضروری است:
    - الف. لغو همه بدھی‌های دهقانان به دولت و کلیه تحمیلات رژیم پیشین به دهقانان؛
    - ب. تضمین کمک‌های فنی و مالی به دهقانان به منظور ایجاد شرایط لازم برای رشد تولید کشاورزی...
    - ج. لغو همه قوانین و مقررات ضدکارگری و تدوین قانون جدید کار با نظر خود کارگران؛
    ۱۰. تأمین حق کار، مسکن، معیشت، آموزش و بهداشت برای عموم مردم به خصوص کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، اصناف و کارمندان کم‌درآمد؛
    ۱۱. مبارزه با هرج و مرج و تأمین آسایش اجتماعی همه مردم؛
    ۱۲. حمایت از تمام جنبش‌های انقلابی ضداستبدادی، ضداستعماری و ضداستثماری خلق‌های جهان.<sup>۱</sup>

در پایان رجوی راجع به ضمانت اجرایی برنامه‌های انتخاباتی اش گفت:

سازمان مشکلی به نام مجاهدین خلق در اختیار دارم که برای تحقق

<sup>۱</sup>. همان، ص ۱۱-۱۲. اطلاعات، ۱۶/۱۰/۱۳۵۸.

برنامه‌ها به آن اتکا خواهم داشت و این سازمان از جوانانی پاکباز، برازنده و شرربار که از هیچ مشکلی در راه اسلام و خلق نهراسیده و نمی‌هراستند تشکیل یافته است.<sup>۱</sup>

## ملاحظاتی پیرامون برنامه‌های انتخاباتی رجوی

- در تحلیل محتوای برنامه‌های انتخاباتی رجوی مواردی قابل دقت و بررسی است:
۱. برنامه‌های ارایه شده از سوی رجوى اصولی کلى و معيشتى بودند که هر داوطلب انتخابات مى توانست برای به دست آوردن آرای مردمى آنها را مطرح کند و در جو پر تلاطم و پر تنش سال ۱۳۵۸ چشمها و ذهن هارا به سوی خود معطوف سازد.
  ۲. بیشتر برنامه‌های ارایه شده توسط رجوى برداشتی ناقص از اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده است؛ به عنوان نمونه برنامه اول برداشتی از اصل ۷؛ برنامه سوم برداشتی از اصل های ۹، ۷ و ۱۵۷؛ برنامه چهارم برداشتی از اصل های ۲۴، ۲۵ و ۲۶؛ برنامه هفتم برداشتی از اصل های ۳، ۲۰ و ۹؛ برنامه هشتم برداشتی از اصول ۱۲ و ۱۳؛ برنامه دهم برداشتی از اصل های ۹، ۲۹، ۳۰، ۲۹ و ۳۱ و ۴۳ و برنامه دوازدهم برداشتی ناقص از اصل ۱۴ قانون اساسی بوده است. در این میان باید در نظر داشت که سازمان مجاهدین (منافقین) آشکارا و با تبلیغات در روزنامه‌ها و نشریات، اعلام کرده بودند که به قانون اساسی رأی نداده‌اند، اما بیشتر برنامه‌های انتخاباتی رجوى با استفاده از همان قانون اساسی تدوین شده بود. از طرف دیگر در قانون اساسی جمهوری اسلامی حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم بسیار جامع تر و کامل‌تر از شعارهای سبک و فربیکارانه رجوى درج و توضیح داده شده است.
  ۳. عملکرد گذشته و آینده مجاهدین به خوبی بیان داشت که آنان همیشه هدف را توجیه کننده و سیله می‌دانستند و می‌دانند و هر هنگام منافع‌شان اقتضا می‌کند بدون هیچ گونه شرم و حیایی شعارها و اهداف خود را عوض می‌کنند و یا برخلاف شعارها و اهداف اعلام شده قبلی حرکت می‌نمایند، به عنوان نمونه آنان خود را همواره دشمن سازش ناپذیر امپریالیسم امریکا می‌شناسانیدند، اما بعد از فرار از کشور همواره کوشیده‌اند با همان امپریالیسم امریکا روابطی گرم برقرار سازند. به یقین این گروه تروریست از کمک‌های سیاسی، اطلاعاتی، مالی و نظامی امریکا برخوردارند و اکنون نیز باقی‌مانده‌های افیونی و واداده آنها با حمایت امریکا در عراق ماندگار شده‌اند. در

۱. مجاهد، همان، ص ۱۲.

در واکنش به برکناری مسعود رجوی از انتخابات ریاست جمهوری، سران سازمان نفاق طرح کودتا ای تنظیم کردند که تا انقلاب ثبیت نشده بازووهای اجرایی و نظامی آن قوام نگرفته‌اند و کشور نیز در التهاب و نگرانی از سلامتی امام و آینده رهبری به سر می‌برد، قدرت را با اقدام‌های خشن و خونین به دست گیرند

خصوص پستی و رذالت شگفت‌آور رجوی و سازمانش و نیز بندوبست با حکومت جهنمی صدام حسین و مزدوری حزب بعث، مطالعه مذاکرات محرمانه رجوی و بلندپایگان سازمان با مقام‌های ارشد اطلاعاتی و امنیتی رژیم صدام بسیار سودمند است.<sup>۱</sup>

۴. شعارهای فریبکارانه رجوی در مورد آزادی احزاب، عقاید، بیان و مطبوعات «با هر عقیده و مردمی» برخلاف اصول مسلم دموکراسی و قوانین شرعی بوده است. به یقین دموکراسی اجازه نشر و نموبه احزاب فاشیستی و آنارشیستی (هرچه و مرج طلب) و... رانمی دهد و شرع اسلام نیز گروه‌ها و احزاب و مطبوعاتی را که حامی و مبلغ کفر، جنایت، تروریسم، شیطان پرستی، مذاهب باطل و غیرالله‌ی باشند را آزاد نمی‌داند. آری، اسلامی که مجاهدین (منافقین) خود را مؤمن به آن و مفسر آن می‌دانستند بهتر از این نتیجه نمی‌داد! مجاهدین قبل از پیروزی انقلاب و بعد از پیروزی آن در عمل ثابت کردند که حاضر به تحمل گروه‌ها، احزاب، مطبوعات مخالف و حتی منتقد خود نیستند. نگاهی گذرا به شماره‌های نشریه مجاهد نشان می‌دهد که آنان هر گونه مخالفت و یا انتقادی را با سنگین ترین کلمات کوبیده‌اند. هنوز خاطره تسویه‌های خونین و وحشتناک درون سازمانی مجاهدین علیه افرادی که ستون‌های اصلی سازمان به حساب می‌آمدند به اتهام انتقاد و اعتراض به عملکرد سران سازمان در یادها است.<sup>۲</sup>

هادی شمس حائری از اعضای مرکزی سازمان مجاهدین پس از جدا شدن از سازمان در کتاب معروفش مرداب چنین نوشتہ است:

رجوی تا به حال نشان داده که دلش به حال سرکوب سایر انقلابیون و احزاب و سازمان‌های دیگر [مخالف جمهوری اسلامی] نسوخته و نمی‌سوزد بلکه کینه و دشمنی آنها را به همان اندازه جمهوری اسلامی در دل دارد و از خدا می‌خواهد که آنها سر به تن شان نباشد تا میدان برای خودشان به عنوان

۱. رک: برای قضاویت تاریخ، انجمن ایران اینتلیجینک، لندن، تابستان ۱۳۸۳. متن این کتاب از سایت اینترنتی انجمن ایران اینتلیجینک قابل دریافت است.

۲. جسد شریف واقفی را بعد از قتل، آتش زند و بدن سوخته شده او را تکه کردند و هر تکه را در مکان‌های مختلف دفن کردند. تصویر باقی‌مانده جسد او بعد از پیدا شدن در دست است.

بعد از رد صلاحیت رجوی در انتخابات ریاست جمهوری، او و سازمان تحت امرش با شروع فعالیت‌های انتخاباتی اولین دوره مجلس شورای اسلامی بیشترین تلاش‌شان را وقف راه یافتن خود و سایر نامزدهای سازمان به مجلس نمودند

آلترناتیو [جانشین جمهوری اسلامی] فراهم شود... رجوی روزهای اول انقلاب بیشتر از آن مقدار که با رفستجانی و بهشتی ضد باشد با بنی صدر ضدیت داشت، چون او را قیب خود در اسلام‌شناسی و ریاست جمهوری می‌دانست و اورا یک مفتخار موج‌سوار که مدت‌های در اروپا جا خوش کرده بود تحلیل می‌کرد که اکنون برای میوه‌چینی خون‌هایی که مجاهدین داده بودند به ایران آمده است... بیش از آن مقدار که مجاهدین با رژیم جمهوری اسلامی دشمنی می‌ورزند با

اپوزیسیون [گروههای مخالف] رژیم ضدیت دارند. در روزنامه‌های مجاهدین بیشتر از روزنامه‌های رژیم می‌توان فحش و ناسزاً علیه احزاب و گروههای مخالف رژیم [جمهوری اسلامی] مشاهده کرد.<sup>۱</sup>

۵. تأکیدهای چندباره رجوی در مورد اتکابه سازمانی انقلابی که جوانانی پاکباز، بدون ترس و شربار آن را تشکیل داده‌اند و استفاده از این سازمان جهت پیشبرد برنامه‌های اعلام شده، چه معنی و مفهوم سیاسی‌ای داشت؟! آیا هر فردی که نامزد ریاست جمهوری می‌شد یا به آن مقام می‌رسید باید سازمانی شبکه‌نظامی یا نظامی می‌داشت که بر آن تکیه کند و این سازمان هم به غیر از او به هیچ کس دیگر جواب‌گو نباشد؟! این همان اندیشه و عمل به میلیتاریسمی بود که از دل آن عقرب جرار با عنوان میلیشیا بیرون آمد و با سلاح‌های سرد و گرم، بسیاری از مردم مسلمان ایران را ماضر و مقتول ساخت. سازمان یک شماره فوق العاده نشریه مجاهد را به تعریف و توصیف میلیشیا اختصاص داد و تشکیل میلیشیای مردمی را «عالی‌ترین شکرانه کسب آزادی و ثمره خون شهیدان» دانست و با چاپ تصویر امام خمینی و درج سخنان ایشان به استفاده ابزاری و فریبکاری پرداخت.<sup>۲</sup> فاز نظامی مجاهدین در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ چهره واقعی و دهشتناک این میلیتاریسم میلیشیایی را به خوبی آشکار ساخت. هادی شمس حائری در خصوص شدت خشونت و نظامی گری مجاهدین می‌نویسد:

مجاهدین بنیادگر اترین و خطروناک‌ترین نیرویی هستند که اگر به قدرت

برسند و آئی برای شنا پیدا کنند در خونخواری و بی‌رحمی دست امثال

هیتلرهارا از پشت خواهند بست.<sup>۳</sup>

۱. هادی شمس حائری، همان، ص ۲۷، ۴۰ و ۵۵.

۲. مجاهد، سال اول، ش ۲، ۱۳۵۸/۹/۶، ص ۱.

۳. هادی شمس حائری، همان، ص ۱۳۸.

شمس حائری که سال‌ها در عراق و پایگاه اشرف،<sup>۱</sup> مقر اصلی منافقین در آن کشور، زندگی و فعالیت کرده است، موارد فراوان و وحشتناکی از سختگیری‌ها و وحشیگری‌های سازمان نسبت به نیروهای خودی که اندک اعتراض یا انتقادی به عملکرد رهبری داشتند را بازگو ساخته است.<sup>۲</sup>

### میتینگ انتخاباتی سازمان مجاهدین

اولین میتینگ انتخاباتی سازمان مجاهدین برای تبلیغ برنامه‌های اعلام شده از سوی مسعود رجوی در روز پنجمین به ۲۰ دی ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران با شرکت هواداران و اعضای سازمان برگزار گردید. در این میتینگ ابتدا موسی خیابانی گفت:

... ما بر حسب مسئولیت‌ها و ظایفمان وارد این صحنه شده‌ایم و نه از روی جاه طلبی. اگر اهل جاه طلبی بودیم درها به روی ما بسته نبود. ما همیشه رنج‌ها را تحمل می‌کنیم چون زندگی یک انقلابی یعنی تحمل همین رنج‌ها. کاندیدای منتخب سازمان مجاهدین خلق به خاطر گذراندن کوران مبارزاتی سال‌های گذشته، معنی حرف‌هایش را می‌فهمد و اگر برنامه‌هایی ارایه می‌دهد معنی این برنامه را می‌داند و به الزامات و مشکلات پیاده شدن آن واقع است.

پس از سخنان خیابانی، مسعود رجوی خطاب به جمعیت چنین گفت:

... ما با شرکت خودمان در انتخابات شخصاً دو هدف را تعقیب می‌کنیم؛ یکی در زمینه سیاسی و دیگری در زمینه تاریخی و اجتماعی. در زمینه سیاسی ایجاد یک ثقل انقلابی به منظور مواجهه با امپریالیسم و پایگاه‌های داخلی اش. در زمینه اجتماعی و تاریخی به منظور پی‌ریزی جبهه‌ای از تمام نیروهای ضد امپریالیست برای به ثمر رساندن خطوط ضد امپریالیستی امام خمینی... تا آنجا که من می‌دانم این اولین بار در تاریخ سازمان‌های انقلابی مسلح جهان

۱. شهر اشرف یا قرارگاه پادگان اشرف در ۲۰ کیلومتری شمال شهر عراقی خالص (استان دیاله عراق) و در ۱۰۰ کیلومتری بغداد و ۸۰ کیلومتری مرز ایران در استان کرمانشاه قرار دارد. پادگان اشرف در سال ۱۳۶۵ پس از خروج مسعود رجوی از باریس و پناهنده شدن به دامان رژیم بعث عراق با همکاری ارتش عراق در محلی به نام معسکر خالص ایجاد گردید و با لطف صدام این زمین ۲۴ هزار متر مربعی به رجوی اهدا شد. رجوی به سرعت نیروهای سازمانی خود را از فرانسه به عراق آورد و با پول، سلاح و تدارکات اهدایی رژیم بعضی عراق سازمان تروریستی خود را در پادگان اشرف سازماندهی نمود.

۲. هادی شمس حائری، همان، کتاب مذکور از اینترنت قابل دریافت است. همچنین رک: هادی شمس حائری، بن بست، تهران، کیهان، ۱۳۷۳.

تاریخ معاصر است که یک سازمان انقلابی که در دوران دیکتاتوری به مبارزه مسلحانه شهری اشتغال داشته در شرایطی نظری حالا خودش را کاندیدای ریاست جمهوری می‌کند، پس مسئله فراتراز داخل کشور بعد این‌المللی هم دارد. آیا جز این است که انقلاب را باید انقلابیون اداره بکنند؟<sup>۱</sup> رجوی در بخش دیگر سخنانش به تشریح برنامه ۱۲ اماده‌ای خود درباره ریاست جمهوری پرداخت و در پایان، این جمله را با هیجان بازگو ساخت:

به سازمانی انقلابی و متشکل از جوانان پاکباز و تطهیرشده در خون و مكتب که جز خدا و خلق، حبی را در نظر ندارند و با عهدی خونین و شربار و بدون هیچ ترسی اتکا دارم.<sup>۲</sup>

در این میان طیف وسیعی از گروه‌ها و اشخاص ضدانقلاب از نامزدی رجوی برای ریاست جمهوری حمایت کردند. برخی از این گروه‌ها و اشخاص عبارت بودند از: حزب دموکرات کردهستان<sup>۳</sup>- همان گروهی که امام خمینی آن را حزب شیطان نامیدند و مردم مسلمان کرد را از آن بر حذر داشتند<sup>۴</sup>- سازمان انقلابی زحمتکشان کردهستان، جامعه سوسیالیست‌های ایران، مبارزان خلق عرب خوزستان، سازمان کموله، سازمان چریک‌های فدایی، کانون سیاسی- فرهنگی خلق ترکمن صحرا و... و شیخ عزالدین حسینی روحانی، ساواکی که به دستور محمد رضا پهلوی امام جمعه شهر مهاباد بود.<sup>۵</sup> اسامی و عنوانین این گروه‌ها و اشخاص در نشریه مجاهد بالغ بر ۴۰۰ مورد است. در این میان آنچه مایه شگفتی است درج نام‌ها و عنوانین گروه‌هایی است که وجود خارجی نداشتند و این نام‌ها طبق دستور رجوی توسط افراد و اعضای سازمان ساخته شده و از شهرستان‌ها به تهران ارسال و ابلاغ شده‌اند تا نشان داده شود که گروه‌های سیاسی بسیاری از نامزدی رجوی حمایت و جانبداری می‌کنند. در واقع این امر نمونه کاملی از نفاق و فربیکاری سازمان مجاهدین و شخص رجوی به حساب می‌آمد. برخی از این گروه‌های ساخته شده عبارت بودند از:

**جوانان آشوری، جمعی از کارگران صنعت نفت آبادان، انجمن کارگران**

۱. مجاهد، سال اول، ش. ۹، ۱۳۵۸/۱۰/۲۵، ص. ۷-۱۲.

۲. همان.

۳. غنی بلوریان، همان، ص. ۳۹۶.

۴. اطلاعات، ۱۳۵۸/۵/۳۰، ص. ۱۱.

۵. نگارنده در کتاب ایرانستان (طرح‌های تقسیم و حرکت‌های تجزیه‌طلبانه در ایران) که توسط دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان در حال آماده‌سازی برای چاپ می‌باشد، نقش عزالدین حسینی در حرکت تجزیه‌طلبانه در کردهستان و اسناد ساواکی بودن اورا را یه داده است.

در تیر ماه ۱۳۵۹ تعدادی از افسران نیروهای نظامی و به ویژه نیروی هوایی با هدایت و حمایت امریکا و شاپور بختیار آخرین نخست وزیر رژیم پهلوی، مقدمات کودتا را با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی و بازگشت بختیار به حکومت فراهم آوردند. در صورت پیروزی کودتا، بختیار و امریکا بار دیگر بر ایران حاکم می گردیدند

مسلمان، دهقانان کلیدبر، کارکنان مسلمان اداره کل کشاورزی همدان، انجمن دانشجویان مسلمان دانشکده منابع طبیعی گرگان، دانشجویان مسلمان نوری مقیم بابل، انجمن دانشجویان مسلمان دانشکده علوم شامخی کاشان و...<sup>۱</sup>

در اعتراضات اعضای تشکیلاتی سازمان مانند رضا پیروزی، منوچهر افشاری و محمد مقدم پیرامون اسمی گروههای درج شده در نشریه مجاهد به عنوان حامی رجوی در انتخابات ریاست جمهوری چنین می خوانیم:

ما به صورت تلفی از مسئولان شهرستانها می خواستیم که لیست بلندبالایی را تحت

عناوین مختلف تهیه و بفرستند. مثلاً عنوانهای این طوری: انجمن جوانان مسلمان گزمک، انجمن جوانان مسلمان طوس، انجمن جوانان مسلمان بندر ماهشهر، انجمن جوانان مسلمان تربت جام. یا به این صورت: جوانان مسلمان اسپه کلاه، جوانان مسلمان رشکلا، جوانان مسلمان پارس آباد مغان، جوانان مسلمان مشکین شهر و... سعی می کردیم عنوانین مثل هم نباشد و گاف ندهیم.<sup>۲</sup>

چنین اعمالی از سازمانی که سرشار از نفاق، فریب و دوروبی بود، عجیب نیست. عجیب آن بود که سازمان خود را چنان که بود نشان دهد و شفاف برخورد کند. خط این نفاق و فریبکاری از منافق بزرگ، مسعود رجوی، نشئت می گرفت. شمس حائری از افراد نزدیک به رجوی می نویسد:

رجوی در پاریس شب تا صبح وصیتنامههای جعلی از زبان کشته شدگان سازمان می نوشت و در آنها سعی می کرد رهبری خود را از زبان شهدا[ای سازمان؟!] به مغزها فرو کند.<sup>۳</sup>

باز در راستای همین خط نفاق و هزارویی بود که پسران زندانی سازمان ادعای شکنجه شدن و دختران، ادعای مورد تجاوز واقع شدن می کردند. رضا هدایتی از اعضاي

۱. مجاهد، سال اول، ش ۲۰، ۱۳۵۸/۱۱/۲، ص ۵-۸.

۲. سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تافرجم، همان، ج ۲، ص ۴۷۰.

۳. هادی شمس حائری، همان، ص ۳۶.

تشکیلاتی سازمان در اعتراضات نوشته است: «در فاز نظامی در زندان [برای اثبات شکنجه شدن مجاهدین] خط این بود که با سیگار یا چاقو کمر و پای خود را بسوزانیم یا متروک کنیم.»<sup>۱</sup>

محمد محمدیان ۶۰ نقطه از بدنش را با سیگار سوزانده بود و آن را به عنوان آثار شکنجه نشان می‌داد. او خود اعتراف کرده است: «در سه شب هنگام دستشویی زندانیان، با سیگار، پا و دست و کمرم را می‌سوزاندم.»<sup>۲</sup>

سازمان نفاق جهت تبلیغ برای رجوی و برنامه‌هایش می‌تینگ‌های دیگری را نیز برگزار کرد که در همه آنها خط در گیری، خشونت و مظلوم نمایی برای به دست آوردن آراء مردم دنبال می‌شد. این می‌تینگ‌ها که بدون کسب اجازه قانونی برگزار می‌گردیدند مورد اعتراض و تذکر وزارت کشور قرار می‌گرفت. در نامه مورخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۱ وزارت کشور خطاب به سازمان مجاهدین که در نشریه مجاهد چاپ شده، چنین می‌خوانیم:

#### سازمان مجاهدین خلق

برابر اطلاع و اصله، آن سازمان بدون کسب مجوز لازم از وزارت کشور در بعدازظهر مورخ ۱۱/۱۰/۵۸[۱۳] نسبت به برگزاری می‌تینگ در محوطه دانشگاه تهران مباردت نموده که ضمن آن برخوردهایی رخ داده است. علیهذا خواهشمند است همان طور که طی اعلامیه‌های صادره که از طریق مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی منتشر گردیده است در صورت تمایل به برگزاری هرگونه راه‌پیمایی یا می‌تینگ مراتب را حداقل ۴۸ ساعت قبل به وزارت کشور اعلام تا پس از بررسی و صدور جواز لازم نسبت به برگزاری می‌تینگ یا راه‌پیمایی مباردت گردد و هماهنگی لازم جهت حفظ نظم و امنیت و آزادی انجام گیرد. از طرف سرپرست وزارت کشور، مصطفی میرسلیم.<sup>۳</sup>

### چالش‌های سازمان در نپذیرفتن قانون اساسی

فعالیت‌های تبلیغاتی سازمان مجاهدین برای پیشی گرفتن رجوی از سایر کاندیداهای ریاست جمهوری به طور گسترده‌ای دنبال می‌شد. نحوه تبلیغات، اهداف مشکوک و به ویژه رأی ندادن رجوی و سازمان مجاهدین به قانون اساسی و اعلام آشکار آن از سوی سازمان، مسئولان انتخابات و نظام و نیز مردم مسلمان و انقلابی را به شدت نگران ساخت. آنان می‌پرسیدند: «با توجه به اصل ۱۱۵ قانون اساسی که بر اساس آن رئیس جمهور

۱. سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام، همان، ص ۴۹۵.

۲. همان.

۳. سند ش ۱۱.

## فودی



**وزارت کشور** ۱۳۴۶ مرداد ۱۳۵۸

سازمان مجاہدین خلق ۱۱/۱۱/۵۸

برابر اطلاع و اعلان آن سازمان بدین گستاخ مجوز

لایحه از وزارت کشور در بعد از ظهر مروخ ۱۰/۱۱/۵۸

نسبت به برگزاری متنبگ در محوطه دانشگاه تهران

مبارزت تغول که ضمن آن برخورد هاشم رخ داده است

علیهذا خواهشمند است همانطوریکه طی اعلامه های

صادره که از طریق مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی منتشر

گردیده است در صورت تایپیل به برگزاری هرگونه راهبهانی

با متنبگ مراتب را حداقل بده ساعت قبل به وزارت کشور

اعلام نایس از بررسی و مدرج جواز لازم نسبت به برگزاری --

متنبگ با راهبهانی مبارزت گردد و هما هنگی لازم چهت

حفظ نظم و امنیت و آزادی انجام گرد

از طرف میراث وزارت کشور

مصطفی میراث

سند شماره ۱۱

باید مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی باشد و قانون اساسی از مهم ترین مبانی نظام است، آیا کسی که قانون اساسی را نپذیرفته و این عدم پذیرش را آشکارا و با افتخار اظهار می کند، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی است؟ در صورت پیروزی چنین شخصی در انتخابات، وی کشور را بکدام قانون اساسی اداره خواهد کرد؟»  
نویسنده این بیانیه مجاهد به دستور رهبری سازمان در برابر این نگرانی ها و پرسش های مطلبی با تیتر «آیا بدون شرکت در فراندوم قانون اساسی معرفی کاندیدای

رباست جمهوری کاری اصولی است؟» پس از ذکر این نکته که «سیستم حاکم از نظر سازمان مجاهدین به دونوع سیستم کاملاً ضد خلقی مانند رژیم منفور پهلوی و سیستم حاکم برآمده از یک انقلاب همه جانبه تقسیم می شود که سازمان به مبارزه جهت براندازی سیستم اولی می پردازو سیستم دومی را تأیید می کند و در آن ذوب می شود، به سفسطه و نفاق پرداخته و در بازی با کلمات چنین نوشتند:

در بعضی موارد مسئله به این سراستی نیست و شرایط فعلی ما ز همین نوع است. یعنی شرایطی که ضمن نفی شدن سلطه سیاسی امپریالیسم، نظام حاکم نیز از دیدگاه اصول مکتبی یک سازمان انقلابی نمی تواند یکپارچه مورد تأیید آن سازمان قرار گیرد. در این شرایط مسئله رابطه این سازمان انقلابی با سیستم حاکم از پیچیدگی های خاصی برخوردار است. سازمان ما پس از پیروزی انقلاب ضد دیکتاتوری به رهبری امام خمینی به همین پیچیدگی توجه داشت و با اینکا به اصول مکتبی خود و تجرب سیاسی - تشکیلاتی ۱۴ ساله اش می دانست که باید در این زمینه با هوشیاری و با توجه به شرایط خاص عمل کند. ما ز همان ابتدا ضمن اینکه موضع اصولی - انتقادی خود را حفظ کرد، مصلحت گرایانه آنها را فدا نکردیم، در عین حال در هر فرصتی ضمن تأیید عملی و سیاسی کلیه اقدامات ترقی خواهانه با تمام قوا در این زمینه ها به یاری سیستم حاکم شناختیم و تمام امکانات مادی و معنوی ناچیز خود را در این راه بسیج کردیم و یادآور شدیم که در خطوط اصلی ضد امپریالیستی امام، خود را سربازان ناچیز جان برکفی می دانیم که تا آخرین نقطه خون در این راه به پیکار ادامه خواهیم داد... سازمان با سیستم حاکم سر جنگ ندارد.

در طول این توجیهات عجیب و غریب حتی یکبار هم عنوان «جمهوری اسلامی» به کار نرفته است. نشریه مجاهد سپس با ذکر اینکه سازمان به جمهوری اسلامی رأی مثبت داده و در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی شرکت کرده است، چنین می نویسد: در مورد رفراندوم قانون اساسی، اصول ارایه شده را به دلیل نارسایی های اصولی که به لحاظ ایدئولوژیکی در آن دیدیم نتوانستیم به خاطر ضرورت های سیاسی به آن رأی مثبت دهیم و در این مورد نیز بارها و بارها چه با تلگراف به پیشگاه امام، شورای انقلاب و یا مجلس خبرگان نقطه نظر های خود را که می بايست در قانون گنجانده می شد یادآور شدیم...

حمایت بنی صدر در موضع رئیس جمهور از سازمان مجاهدین، از بین رفتن اسناد همکاری منافقین با کودتاچیان توسط عوامل نفوذی سازمان درستاد ضد کودتا و آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دو ماه بعد از کشف و خشی سازی کودتا، شرایط توقف پیگیری نقش سازمان مجاهدین را در کودتا فراهم کرد و فضای مناسی برای تجدید فعالیت و رویارویی نظامی و شورش مسلحانه آنان پدید آورد

ما با نظامی روبه رو هستیم که به دلیل پایگاه مردمی و موضع گیری های ضد امپریالیستی اش هرگز [با آن] اسر قهر و ستیز نداریم. بنابراین در مورد انتخابات ریاست جمهوری شیوه اصولی برخورد ما بر این مبنای استوار است که ضمن حفظ موضع انتقادی مان از کوچک ترین شرایط دموکراتیک برای پیش بردن اهداف ضد امپریالیستی انقلاب و نیز آگاه کردن توده ها در همین رابطه استفاده کنیم. حسن این نوع موضع گیری این است که اولاً دچار سکتاریسم و جدایی از توده های مردم نمی شود، ثانیاً با پاشاری بر موضع اصولی اش یا خطوط انقلاب را تصحیح می کند و یا با افشاگری، آگاهی توده های مردم را در مورد نواقص اقدامات

مسئولین ارتقای دهد و به این ترتیب باعث افزایش پتانسیل و توان انقلابی توده ها می شود.

باتکیه به همین شیوه مادر عین اینکه به لحاظ اصولی موضع انتقادی خود را با رأی مثبت ندادن به قانون اساسی حفظ کردیم و نارسانی های آن را ذکر کردیم ولی هرگز از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سر باز نزدیم. کاندیدای مجاهدین خلق ضمن پذیرش چارچوب قانون اساسی در صورت انتخاب شدن تلاش خواهد کرد اولاً نقطه نظر های انقلابی خود را بتواند از کanal برخی اصول همین قانون اساسی اعمال کند، ثانیاً از فرصلت های قانونی که همین قانون اساسی برای به تصویب رسانیدن مواد متمم باقی گذاشته به بهترین وجهی سود خواهد برداشت.<sup>۲</sup>

خوانندگان این توجیه عجیب و غریب سازمان، خود را با این سؤال های مهم روبه رو می دیدند و البته جواب های قانع کننده ای دریافت نمی کردند:  
۱. چگونه کاندیدایی که به قانون اساسی رأی نداده و آن را ناقص می داند، بر طبق اصل

۱. واژه «سکتاریسم» (SECTARISME) را بیشتر چپی ها و کمونیست ها به کار می برند؛ از دید آنها سکتاریسم یعنی بریدن از توده ها و تبدیل شدن به یک دسته جدا از خلق.  
۲. همان.

- ۱۲۱ قانون اساسی قسم خواهد خورد که پاسدار آن قانون باشد؟  
 ۲. این شخص چگونه و با کدام راه‌ها طبق اصل ۱۲۲ در حدود اختیارات قانون اساسی  
 فعالیت خواهد کرد؟  
 ۳. چنین فردی چگونه بر طبق اصل ۱۱۳ مسئولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده  
 خواهد گرفت؟

شخصی که قانون اساسی را ناقص می‌دانست و آن را نپذیرفته بود به یقین در مقام ریاست جمهوری با بهانه‌های مختلف آن را اجرانمی‌کرد. در این صورت تکلیف کشور و مردم چه می‌شد؟ مسعود رجوی که به شدت دچار جنون قدرت و کیش شخصیت شده بود، در صورت رسیدن به ریاست جمهوری با تکیه بر همان سازمان انقلابی متشكل از جوانان نترس و شرربار! تمام معترضان و مخالفان خود را قلع و قمع می‌کرد و با تعظیم و کرنش به ارباب شرقی‌اش که حکومت خونین «پرولتاریا» (حاکمیت خشن طبقه کارگر) را تشکیل داده بود او نیز حکومت خشن و خونین «مجاهدتاریا» را برقرار می‌ساخت! در این زمان نیز معمار بزرگ انقلاب، امام کبیر، خمینی عزیز در برابر این خطر سهمگین، ناجی ملت زجر کشیده ایران شد.

### بر کناری رجوى از رقابت‌های انتخاباتی و توجيهات سازمان

در روز شنبه ۲۹ از مهر ۱۳۵۸ دی ۱۳۵۸ از محضر امام خمینی (س) که طبق قانون اساسی صلاحیت داوطلبان دوره اول باید به تأیید ایشان می‌رسید، درباره صلاحیت کسانی که به قانون اساسی رأی نداده اما نامزد انتخابات ریاست جمهوری شده بودند کسب تکلیف گردید. ایشان در جواب مرقوم فرمودند:

«بسم الله الرحمن الرحيم. کسانی که به قانون اساسی رأی مثبت نداده‌اند صلاحیت ندارند رئیس جمهور ایران شوند.»<sup>۱</sup>

به این ترتیب مسعود رجوی از نامزدی ریاست جمهوری کنار گذاشته شد و با هوشیاری و درایت امام خمینی خطر عظیمی که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را تهدید می‌کرد مرتفع گردید. بنی صدر، کاندیدای مشهور ریاست جمهوری، بعد از کنار گذاشته شدن رجوی اعلام کرد که مسعود رجوی دارای پایگاه مردمی بوده و با کنار گذاردن او مخالف بوده است.<sup>۲</sup> وی به این ترتیب سعی کرد حمایت سازمان مجاهدین و آرای

۱. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۰/۳۰، ص ۱۰.  
 ۲. کیهان، ۱۱/۲، ۱۳۵۸/۱۱/۳، ص ۱ و ۱۳۵۸/۱۱/۳، ص ۲.

هواداران آن را به خود جلب کند.

سازمان مجاهدین بعد از انتشار نظر امام و برکناری رجوی از انتخابات در اطلاعیه‌ای  
به تاریخ ۲۴ دی ۱۳۵۸ چنین نوشت:

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

سازمان مجاهدین خلق ایران متعاقب فرمایش امام خمینی مبنی بر نفی  
نامزدی کسانی که به قانون اساسی رأی مثبت نداده‌اند، کناره‌گیری نامزد  
انتخاباتی خود برادر مسعود رجوی را به اطلاع عموم می‌رساند. سازمان از  
پیش تمام مراحل و تحقیقات و مشورت‌های لازم رادر سطوح بالای مملکتی  
در رابطه با امکان کاندیدایی برادر مجاهدمان طی نموده و به این نتیجه  
رسیده بود که نامزدی فردی که با اعتقاد کامل به جمهوری اسلامی و دادن  
رأی مثبت به آن در رفراندوم قانون اساسی شرکت نکرده و اکنون آمده است  
تا در چارچوب همان قوانین مصوب به کار پردازد از هر حیث بلامنع است.

مطلوبی که اکنون با ابراز نظر اخیر امام دیگر موضوعیت ندارد.<sup>۱</sup>

در بخشی از این اطلاعیه اشاره شده «فتوكپی شناسنامه مسعود رجوی بدون مهر  
شرکت در رفراندوم قانون اساسی در هنگام ثبت‌نام برای انتخابات ریاست‌جمهوری  
به وزارت کشور تحويل داده شده است»؛<sup>۲</sup> با این وجود وزارت کشور نام وی را جزو  
کاندیداهای مورد قبول اعلام کرد. البته مسئول جوابگوی به این امر، مقامات وزارت  
کشور دولت موقت هستند که چگونه نامزدی فردی که آشکارا به قانون اساسی رأی  
نداده و لذا مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی نبود را جهت مقام مهم و خطیر  
ریاست‌جمهوری پذیرفتند؟<sup>۳</sup>

سازمان مجاهدین به دلیل رد صلاحیت مسعود رجوی برای ریاست‌جمهوری، شرکت  
در انتخابات ریاست‌جمهوری را تحریم کرد. این امر آشکار ساخت که هدف اصلی  
سازمان، رسیدن کاندیدای خود به مقام ریاست‌جمهوری بود و سایر قضایا و شعارهای  
طرفداری از مردم و حمایت و دفاع از حقوق اساسی آنها بیش از ظاهر سازی و فربیکاری  
نبوده است. این سازمان در روز یکشنبه ۳۰ دی ۱۳۵۸ اعلام داشت: «به دلیل کناره‌گیری  
[در واقع رد صلاحیت] مسعود رجوی، سازمان در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت  
نخواهد کرد.»<sup>۴</sup>

۱. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۰/۳۰، ص ۱۰. مجاهد، ش ۲۰، ۱۳۵۸/۱۱/۲، ص ۱۰۵.

۲. اطلاعات، همان، ص ۱۰. مجاهد، همان، ص ۱۰۵.

۳. اطلاعات، همان، ص ۱۰. مجاهد، همان، ص ۱۰۵.

مسعود رجوی نیز همان روز در پیامی به ملت ایران چنین نوشت:

کاندیدایی من، چنانچه از پیش روشن بود، مفهومی تاریخی به خود می‌گیرد و درست در همین نقطه است که باستی خاضعانه به شما بگویم که اگر این مبارزه انتخاباتی، بازندهای داشته باشد، من نیستم. گرچه می‌دانم هیچ‌یک از شما نیز با دیدگاه بردو باخت و اول و دوم شدن به مسئله نمی‌نگرد. اما منظورم از بازنش نبودن، اتکا به جوششی خلقی و چشمگیر از جانب بخش‌های بسیار وسیعی از مردمان است که با آرمان‌ها و حتی اعتراضات ما هم عقیده و هم گام‌اند. به همین دلیل از فرد فرد شما تمنای حداکثر برداری و خویشنده‌داری انقلابی را در این شرایط حساس دارم. امر انقلاب بیش از پیش نیازمند صبوری است. مسئولیتی بس عظیم در قبال خدا و سرنوشت خلق فارغ از هر تمایل هرج و مرچ طلبانه که تا وقتی به مسدود ناشدن طرق معقول و قانونی امید می‌رود با حداکثر متنانت و مسالمت همراه است... اکنون بیش از هر چیز به سرنوشت انقلابی می‌اندیشیم که یکی از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های خطیر و تاریخی خود را بر دوش من و سایر خواهان و برادرانم گذاشته است... ما اعتراض می‌کنیم که چرا هنوز کلیه روابط و قراردادهای امپریالیستی افشا و الغانشده است؟ چرا حقوق همه ملیت‌ها محقق نشده مانده؟ چرا شوراهای واقعی تشکیل نمی‌شود؟... من در فراندوم قانون اساسی شرکت نکرده بودم. این هم چیز پوشیده‌ای نبود. اما نه از موضوعی انحرافی بلکه به دلیل هر چه بیشتر و انقلابی تر و اسلامی تر خواستن.<sup>۱</sup>

با این توجیه رجوی، هیچ قانونی مورد پذیرش هیچ شخصی قرار نمی‌گرفت؛ زیرا همه، قانونی برتر و بهتر می‌خواستند و به یقین هیچ قانونی کامل، مطلق و عاری از نقص نبود؛ پس به هیچ قانونی ناید رأی مثبت داد! از طرف دیگر، ملاک تشخیص ضعف قانون اساسی و درخواست قانونی انقلابی تر و اسلامی تر کدام شخص و منبع می‌توانست باشد؟ آیا سازمان مجاهدین با نفاق آشکار، هرج و مرچ طلبی و با اسلام التقاطی شان، ملاک و منبع این تشخیص بودند؟ کدام اصل دموکراسی و حقوق بشري می‌پذیرد که رأی منفی یک یا چند گروه حداکثر چندهزارنفره در برابر آرای مثبت ۱۵ میلیونی ملتی قدر و قیمت داشته و باعث ابطال قانون اساسی گردد؟ اگر نپذیرفتن قانون توسط گروهی باعث ابطال آن گردد و بار دوم قانونی دیگر به انتخاب گذاشته شود و این بار گروه مخالف بپذیرد و

۱. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۱، ص. ۲. مجاهد، همان، ص. ۳.

گروههای وقشهای دیگر ملت نپذیرند آیا باید قانونی دیگر و انتخاباتی دیگر برگزار کرد؟ این دور باطل در کجا خواهد ایستاد؟ کدام نظام و کشوری این گونه برخورد کرده و اداره شده است؟ آیا تاریخ تکرار می‌شود؟ در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز سران فته براساس همان برهان پوسیده و منافقانه مجاهدین خلق یعنی «هر چه بیشتر و انقلابی تر و اسلامی تر خواستن!» انتخابات را پذیرفتند؛ گویی هر کس یا سازمان و گروهی در انتخابات پیروز نگردید باید به دنبال انتخاباتی دوباره و چندباره باشد تا شاید در یکی از آنها برنده شود و آن گاه نتیجه انتخابات را پذیرد...

### برگزاری انتخابات و پیروزی بنی صدر

انتخابات ریاست جمهوری در ۵ بهمن ۱۳۵۸ برگزار گردید و روز سه شنبه ۹ بهمن، ستاد انتخابات وزارت کشور نتایج قطعی شمارش آرا در سراسر کشور و خارج کشور را به این شرح اعلام داشت:

|   |
|---|
| کل آرای اخذشده در داخل و خارج کشور / ۱۴۱۴۶۶۲۲ رأی |
| ابوالحسن بنی صدر / ۱۰۷۰۹۳۳۰ رأی                   |
| سیداحمد مدنی / ۲۲۲۴۵۵۴ رأی                        |
| حسن حبیبی / ۶۷۴۸۵۹ رأی                            |
| داریوش فروهر / ۱۳۳۴۷۸ رأی                         |
| صادق طباطبایی / ۱۱۴۷۷۶ رأی                        |
| کاظم سامی / ۸۹۲۲۰ رأی                             |
| صادق قطبزاده / ۴۸۵۴۷ رأی                          |
| بقیه کاندیداها / ۲۱۱۰ رأی <sup>۱</sup>            |

به این ترتیب ابوالحسن بنی صدر به عنوان اولین رئیس جمهور ایران برگزیده شد. بنی صدر نیز مانند رجوی در باطن و ظاهر نفاق داشت و با این نفاق، مردم را به سوی خود جذب و جلب کرد. امام خمینی در ایام تبلیغات و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به دلیل ناراحتی قلبی در بیمارستان قلب تهران بستری بودند و همین امر شانس بنی صدر را افزایش داد. وی خود در خاطراتش که فایل صوتی و تصویری آن نیز موجود است، مخالفت امام با ریاست جمهوری اش را بیان داشته است؛ وی می‌گوید:

در قم با آقای خمینی راجع به نامزدی ام در انتخابات ریاست جمهوری



صحبت کردم. ایشان گفت: «شما به سه دلیل نمی‌شود رئیس جمهور شوی، یکی اینکه مخالف ولایت‌فقیه هستی، دوم اینکه مخالف مالکیت خصوصی هستی و سوم اینکه مخالف این هستی که روحانیت در دولت باشد و اگر شما بیایی روی کار، این آخوندها را می‌خواهی دست و پایشان را جمع کنی و از ادارات بپرون کنی... حالا شناسی که ما آورده‌یم این بود که این آقارت به بیمارستان. نمی‌دانم اگر به بیمارستان نمی‌رفت [با شرکت من در انتخابات] مخالفت می‌کرد یا نمی‌کرد؟ شب انتخابات ریاست جمهوری آقای رفسنجانی آمد به جلسه شورای انقلاب و گفت: احمد خمینی گفت که امام می‌گوید بنی صدر به سود [دکتر حسن] حبیبی کنار برود، مدرسین [حوزه علمیه] قم به امام گفته‌اند بنی صدر به نفع حبیبی کنار برود بعد بشود نخست وزیر که اختیارش هم بیشتره! گفتم حبیبی <sup>۴</sup> در صدر رأی هم نمی‌آورد... مردم ۷۶ در صدر به من رأی دادند...<sup>۱</sup>

## طرح کودتای مجاهدین در زمستان ۱۳۵۸

در واکنش به برکناری مسعود رجوی از انتخابات ریاست جمهوری، سران سازمان نفاق طرح کودتایی تنظیم کردند که تا انقلاب ثبیت نشده و بازوهای اجرایی و نظامی آن قوام نگرفته‌اند و کشور نیز در التهاب و نگرانی از سلامتی امام و آینده رهبری به سر می‌برد، قدرت را با اقدام‌های خشن و خونین به دست گیرند. این طرح با عنوان «عملیات بزرگ» مبتنی بر اشغال مراکز مهمی چون رادیو و تلویزیون، نخست وزیری، زندان اوین، بیمارستان قلب تهران و... توسط نیروهای سازمان مجاهدین بود و به این ترتیب آنها کودتای خود را به مرحله اجرا در می‌آورند. این طرح که به صورت نامه و سندی درون گروهی بود و توسط شهید آیت‌الله قدوسی <sup>۲</sup> دادستان کل انقلاب در مصاحبه مطبوعاتی چهارشنبه ۱۳۵۸ اسفند ۱۳۵۸ افشا گردید، چنین بود:

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

عملیات بزرگ هر لحظه که بچه‌ها آمادگی و بسیج لازم را داشته باشند  
[شروع خواهد شد]، در نگ جایز نیست. رادیو و تلویزیون و نخست وزیری

۱. خاطرات ابوالحسن بنی صدر، به کوشش حمید احمدی، برلین، انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴-۱۰۳.

۲. آیت‌الله قدوسی در ۱۴ شهریور ۱۳۶۰ با بمب گذاری عضو نفوذی سازمان منافقین به نام محمود فخارزاده کرمانی در دادستانی انقلاب اسلامی به شهادت رسید.

و زندان اوین<sup>۱</sup> باید به طور همزمان به تسخیر نیروهای انقلابی مسلمان در بیاید. بیمارستان مهدی رضایی [قلب تهران] نیز به منظور جلوگیری از هر گونه صدمه احتمالی به [امام] خمینی باید به محاصره کامل نیروهای انقلابی درآید. در لحظه شروع عملیات، واحد تسخیر کننده نخست وزیری، مرا هم همراه خودش بردارد (اصطلاح رمزی)، همین امروز چطور است؟ ستاب ارشت باشد به وسیله نظامیان انقلابی تسخیر شود.<sup>۲</sup>

شهید آیت‌الله قدوسی به دلیل حساسیت مسئله و لزوم پیگیری آن، از قرائت تمام سند مذکور خودداری کرد.<sup>۳</sup>

اما در بیان اینکه چه علیٰ باعث شد تا این کودتا و دیگر طرح‌های خشن و نظامی مجاهدین خلق در دو سال ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ (تافتنه خونین ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و ترورهای متعاقب آن) عقیم بماند، می‌توان موارد زیر را مورد توجه قرار داد:

۱. کشف طرح مذکور و در نتیجه سوخته شدن آن و هوشیاری مسئولان نظام جهت آمادگی در برابر کودتاها احتمالی گروههای مسلح؛

۲. نداشتن فرصت لازم جهت ساختن اعضا و هواداران سازمان در سطح وسیع برای حرکت نظامی گسترده مانند آنچه در خرداد ۱۳۶۰ رخ داد؛

۳. امید داشتن به مهره بالارزشی چون بنی صدر که بر ریاست جمهوری تکیه زده بود و تعامل نزدیک با او جهت رسیدن به اهداف مشترک (کودتا و تقسیم قدرت).

وقتی در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ بنی صدر با حکم امام از فرماندهی کل قوا عزل و عدم کفایت سیاسی اش در مجلس به تصویب رسید، در واقع این مهره سوخت لذا منافقین حرکت نظامی خود علیه انقلاب را شروع کردند. اقدام مجاهدین جهت مخفی کردن بنی صدر و سپس خارج ساختن پنهانی او از کشور به همراه مسعود رجوی، تعامل نزدیک بنی صدر با سازمان مجاهدین را به خوبی نشان می‌دهد؛

۴. اتخاذ سیاست صبر جهت از دور خارج شدن گروههای مسلح دیگر در درگیری با نظام و خالی شدن میدان از شریکان و مدعیان احتمالی تقسیم قدرت در صورت پیروزی.

باید در نظر داشت که اگر خدای نکرده طرح کودتا مجاهدین در سال ۱۳۵۸ به نتیجه می‌رسید، آنان قادر بودند در تصرف بیمارستان قلب با عملیات پزشکی مخصوص! امام

۱. گویا زندان اوین از این لحاظ اهمیت داشت که بخشی از نیروهای مورد نیاز کودتا در آن زندان در حبس بودند.

۲. اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۹، ص. ۲.

۳. همان.

خمینی(س) را به شهادت برسانند و خود با عنوان واهی «فرزندان مجاهد امام» پرچم خونخواهی را به دست گیرند و آنچه می خواهند انجام دهند!

## شرکت رجوی در انتخابات مجلس

بعد از رد صلاحیت رجوی در انتخابات ریاست جمهوری، او و سازمان تحت امرش با شروع فعالیت‌های انتخاباتی اولین دوره مجلس شورای اسلامی<sup>۱</sup> بیشترین تلاش‌شان را وقف راه یافتن خود و سایر نامزدهای سازمان به مجلس نمودند. نشريه مجاهد در شماره ۲۲ در مطلبی با عنوان «شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی با تمام قوای عزم جزم در احراق حقوق خلق» با حمایت آشکار از بنی صدر چنین نوشت:

نیروهای اصیل انقلابی همچنان که از روز اول انقلاب نیز می گفتند اعلام آمادگی می کنند تا در چارچوب برنامه انقلابی و حق طلبانه شان از آفای بنی صدر استقبال کنند. آنها آرزومندند که آفای بنی صدر فاصله‌های نظری را که تاکنون بین خود و قطب راست نشان داده قاطعانه در عمل نیز تاقله امایی کامل ستم‌های امپریالیستی به بروز اثبات برسانند... مهم‌ترین هدف کنونی که همه نیروها اکنون به جانب آن خیز برداشته‌اند انتخابات مجلس شورای ملی است... خیز ما یک خیز انقلابی ضدامپریالیستی است. البته اختیارات نمایندگی بسیار بسیار محدود است. حتی نمایندگان به خلاف قانون اساسی قبلی از مصونیت نیز برخوردار نیستند. ولی با این همه ما از عشری از اشعار حقوق خلقمان نیز نمی گذریم. با عزمی جزم در احراق حقوق خلق در هر شرایطی می کوشیم. یک‌زمان با سلاح و خون و حالا با روش‌های اساساً سیاسی و طرز عمل دموکراتیک. بگذار این آزمایش هم تحقق پذیرد. از دو حال خارج نیست، با باز در نیمه راه کنارمان می‌زنند که خیلی چیزها روشن می‌شود و یا تا به آخر می‌رویم. در این صورت هر کرسی مجلس را به سنگری تبدیل خواهیم کرد برای تک‌تک مواد برنامه انقلابی رهایی بخش و اگر هم نگذاشتند برای افشاگری...<sup>۲</sup>

با توجه به اینکه هنوز انتخاباتی شروع نشده و مجلسی تأسیس نگردیده بود، مجاهدین خلق بر طبل ایجاد تشنجه، در گیری و خشونت در مجلس می کوییدند و این امور از دید

۱. عنوان مجلس در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ «مجلس شورای ملی» بود. براساس دستور امام خمینی به شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۵۸، نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی تغییر یافت.  
۲. مجاهد، سال اول، ش ۲۲، ۱۳۵۸/۱۱/۱۶، ص ۱-۲.

مردم مسلمان ایران پنهان نبود. سازمان برخی از اعضای بلندپایه خود مانند مسعود رجوى، محمد سيدى کاشانى، پرويز يعقوبى، منوچهر هزارخانى، عذرالعلوي طالقانى، محمد ملکى، يزدان حاج حمزه، مهدى ابریشم چى، عباس داورى، اشرف ربیعى (همسر مسعود رجوى)، ماهمنیر(فاطمه) رضایي، حاج محمد شانه چى، مریم قجر عضدانلو (همسر فعلی رجوى)، عبدالکریم لاهیجي، غلامرضا آذرش و عباس آگاه را ز تهران برای نمایندگی مجلس معرفی کرد.<sup>۱</sup> همچنین این سازمان جمعی از اعضای خود مانند رحیم آقاپور بناب از بناب (آذربایجان شرقى)، جعفر صمدی تکالو و خلیل عزیزی ثالث از ارومیه را به عنوان کاندیدای مجلس از شهرستانها، تعیین، معرفی و تبلیغ نمود.<sup>۲</sup>

بانجام انتخابات مجلس در نیمه دوم اسفند ۱۳۵۸، سازمان مجاهدین شکست سختی خورد و به آرزوی خود برای حضور در مجلس و ایجاد تشنج و خشونت در آن نرسید. در دور اول انتخابات مجلس، رجوى تنها کاندیدای سازمان مجاهدین بود که به دور دوم انتخابات راه یافت. اما در دور دوم، امام خمینی پیام روشنگرانهای را خطاب به ملت ایران بیان کرد که در آن آمده بود:

...کسانی را انتخاب کنند که صدرصد مسلمان و معتقد به احکام اسلام و

مخالف با مکتب‌های انحرافی و معتقد به جمهوری اسلامی باشند... باید به

اشخاصی که احتمال انحراف در آنان می‌رود رأی ندهند.<sup>۳</sup>

لذا مردم ولايت‌مدار ایران در عمل به فرمایش و هشدار امام خمینی، به رجوى رأى ندادند و وی اکثریت آرا برای نمایندگی مجلس را به دست نیاورد. این سومین شکست معنی دار رجوى و سازمانش در انتخابات همگانی بوده است. بر طبق اصل ۶۷ قانون اساسی نمایندگان مجلس در نخستین جلسه باید قسم‌نامه‌ای را قرائت و امضا کنند که در آن آمده است:

من در برابر قرآن مجید به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که

... امانت و تقوا را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتدالی کشور و حفظ

حقوق ملت... پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها

و اظهار نظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مدنظر

داشته باشم.

با توجه به اینکه مجموعه سازمان مجاهدین به قانون اساسی رأى ندادند و آن را ناقص

۱. همان، ش ۱۴، ۱۲/۱۴، ۱۳۵۸/۱۲. ص ۵.

۲. همان، ش ۲۵، ۱۲/۷، ۱۳۵۸/۱۲. ص ۱۲.

۳. کیهان، ۱۳۵۹/۲/۱۸، ص ۱.

و غیر قابل قبول می‌دانستند، در صورت ورود برخی از نامزدهای سازمان به مجلس چگونه متن سوگندنامه را قرائت و امضا می‌کردند و به چه سان از آن دفاع می‌نمودند؟ اگر هم قسم‌نامه را قرائت و امضا می‌کردند، نشان دیگری از نفاق آشکار و پنهان خود را بروز می‌دادند.

باعدم موفقیت سازمان نفاق در به دست آوردن رأی ملت ایران و ورود کاندیداهایشان به مجلس، سازمان بر طبل تقلب در انتخابات کوبید و سخنگوی سازمان راجع به تقلب‌های گسترده در انتخابات، چنین استدلال آورد:

۱. پاره کردن ورقه‌های رأیی که به اسم کاندیداهای سازمان نوشته می‌شد؛
  ۲. پر کردن لیست برای بی‌سودان توسط مأموران مشخص کمیته‌ها<sup>[۱]</sup>؛
  ۳. اعلام این مطلب که این حوزه مخصوص اسلامی‌ها است و نام کاندیدای مجاهدین خلق رانمی نویسیم؛
  ۴. دخالت و بعضاً اداره حوزه‌ها توسط افراد کمیته‌ها؛
  ۵. جایه‌جایی صندوق‌ها؛
  ۶. رأی گیری بدون حضور نماینده فرماندار؛
- و...<sup>[۲]</sup>

سازمان نفاق از این دسیسه خود نیز نتیجه‌ای به دست نیاورد.

## رجوی و کودتا نوژه

در تیرماه ۱۳۵۹ تعدادی از افسران نیروهای نظامی و به ویژه نیروی هوایی با هدایت و حمایت امریکا و شاپور بختیار آخرین نخست وزیر رژیم پهلوی، مقدمات کودتای را با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی و بازگشت بختیار به حکومت فراهم آوردند. در صورت پیروزی کودتا، بختیار و امریکا باز دیگر بر ایران حاکم می‌گردیدند. اما در صورت شکست کودتا، با ضربه‌هایی که نیروهای نظامی شرکت کننده در کودتا به ویژه نیروی هوایی از مردم و نیروهای وفادار به انقلاب می‌خوردند قدرت دفاعی و نظامی ایران در آستانه حمله نیروهای عراقی در شهریور ۱۳۵۹ به شدت ضعیف می‌گشت. طرح اول امریکا برای حاکمیت دوباره بر ایران همان انجام کودتا بود و در صورت شکست کودتا طرح دوم که حمله نظامی عراق بود انجام می‌گرفت. در هر دو طرح، ورود بختیار و اعلام

«ایران آزاد» در مناطق اشغالی گنجانده شده بود. مرکز ثقل کودتا استفاده از نیروی هوایی برای بمباران و کوبیدن مراکز حساس پایتخت و از جمله جماران، محل اقامت امام خمینی، بود.

افسران هوایی شرکت کننده در کودتا برای انجام عملیات به پایگاهی هوایی نیاز داشتند که دارای هوایپیماهای جنگی بمباکن و نزدیک تهران باشد؛ لذا پایگاه هوایی شهید نوژه همدان<sup>۱</sup> مناسب تشخیص داده شد. نیروهای اطلاعاتی کشور از دو ماه قبل اخباری حاکی از شکل‌گیری کودتا دریافت داشته بودند. در ۱۸ تیر یکی از خلبانان از همراهی با کودتاچیان پشیمان شد و به منزل حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مراجعه کرد و جریان را اطلاع داد. با دستور سریع مقامهای مسئول، مرکز تجمع کودتاگران برای عزیمت به همدان در پارک لاله تهران محاصره و جمعی از آنان قبل از هر گونه تحرکی بازداشت شدند. نیروهای کمیته، سپاه و پایگاه شهید نوژه نیز به حالت آماده‌باش درآمدند و جمع دیگری از کودتاگران را دستگیر کردند. شامگاه ۱۳۵۹/۴/۱۹ خبر کشف و شکست کودتا نوژه از رسانه‌ها به اطلاع مردم رسید.<sup>۲</sup>

آنچه در این میان حائز اهمیت است، شرکت مسعود رجوى و به تبع او سازمان مجاهدين در کودتا نوژه می‌باشد. ستوان ناصر رکنی، افسر فنی نیروی هوایی و رابط میان هواداران شاپور بختیار و عناصر نیروی هوایی با شبکه کودتا که اطلاعات زیادی از نیروها، اهداف و نحوه اجرای کودتا داشت، در بازجویی‌های خود می‌نویسد:

سرهنگ بنی عامری [رئيس شاخه نظامی کودتا] به من اظهار می‌داشت که در روز کودتا تعدادی از سران گروه‌های مختلف که بیم آن می‌رود در مقابل کودتا بایستند دستگیر خواهند شد، حتی صریحاً اسم آقای مسعود رجوى و موسى خیابانی رانیز ذکر کرد و اظهار داشت که تیم مخصوص این کار نیز تعیین شده و محل آنها شناسایی شده و می‌باشد دستگیر شوند. حدود یک ماه قبل از تاریخ کودتا از خانم پروین شیبانی [عضو شاخه سیاسی کودتا]<sup>۳</sup>

۱. پایگاه سوم نیروی هوایی تا قبل از انقلاب، پایگاه شاهرخی نامیده می‌شد. پس از پیروزی انقلاب به پایگاه حر تغییر نام یافت. به دنبال واقعه پاوه (نفوذ ضدانقلاب کردستان به شهر پاوه) در مرداد ۱۳۵۸ و صدور فرمان امام خمینی منی بر پاکسازی سریع کردستان، یکی از خلبانان مؤمن و انقلابی پایگاه حر، به نام نوژه به یاری شهید دکتر چمران شناقت و در سقوط هوایپیمای جنگی اش به همراه کمک خلبان به شهادت رسید. از آن تاریخ با هدف بزرگداشت او پایگاه حر به پایگاه شهید نوژه تغییر نام یافت.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر راجع به کودتا نوژه رک: کودتا نوژه، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۶۸؛ محمد محمدی ری‌شهری، خاطره‌ها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ج. ۱، ص. ۱۴۷.

۳. محمد محمدی ری‌شهری، خاطره‌ها، همان، ج. ۱، ص. ۱۴۷.



شنیدم که تماس‌هایی با سازمان مجاهدین خلق و فدائیان خلق برقرار شده تا موضع آنها را نسبت به انجام کودتا بفهمیم و مشخص شود که آیا امکان توافق هست یا نه؟ در یکی از جلسات شورای نظامی کودتا، سرهنگ بنی‌عامری گفت که خوشبختانه... هم‌اکنون مذاکرات خیلی مهمی با سازمان مجاهدین خلق و فدائیان خلق در حال انجام دادن است... توضیحی که مهندس قادسی [رئیس شاخه سیاسی کودتا] به تیمسار مهدیون و تیمسار محققی [دو تن از سران نظامی کودتا] می‌داد به این ترتیب بود که مابا هر دو گروه در حال مذاکره هستیم اما با فدائیان خلق زیاد تمایلی [برای همکاری] نداریم... اما با مجاهدین صحبت کرده‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که در آن روز به نفع ما وارد کار نشوند. همین قدر کفایت می‌کند که احتمالاً اگر فتوایی [علیه کودتا] صادر شد اینها اسلحه به دست نگیرند و علیه ما وارد کار نشوند تا کار ما را نگین نکنند، همین برای ما کفایت می‌کند. می‌گفت که این قول را از مجاهدین خلق گرفته‌ایم که آن روز بی طرف بمانند. در عوض بهشان قول داده‌ایم که آزادی فعالیت سیاسی داشته باشند و هر نوع فعالیت سیاسی که بخواهند در نهایت آزادی انجام بدهند.<sup>۱</sup>

آقای ری‌شهری رئیس دادگاه محاکمه کننده کودتاگران، در ۱۵ امرداد ۱۳۵۹ طی مصاحبه‌ای به ارتباط سازمان مجاهدین با اعلامن کودتا اشاره کرد و اظهار داشت:

... در تحقیقات، همکاری گروه‌های امثال پان ایرانیست‌ها، جبهه ملی، سازمان چریک‌های فدائی و سازمان مجاهدین خلق آشکار شد... محققی اعتراف کرد [در جلسه‌ای با حضور گردانندگان کودتا] برآورد کرده‌اند قدرت رزمی سازمان مجاهدین در تهران ۸۰۰ نفر و سازمان چریک‌های فدائی خلق ۳۰۰ نفر است... در جلسه، مطرح شد که با سازمان مجاهدین وارد مذاکره شده بودیم و از آنها قول گرفته بودیم نه به نفع ما کاری کنند و نه علیه ما وارد عمل شوند، آن وقت بعد از پیروزی یک امتیازاتی در اختیار آنها بگذاریم.<sup>۲</sup>

ستوان ناصر رکنی نیز در اعترافی مشابه، همان ارقام و تعداد اعضای مسلح دو گروه مجاهدین و فدائیان را ذکر کرده است. البته در هماهنگی کودتاگران با سازمان

۱. کودتای نوزدهم، همان، ص ۱۲۷-۱۲۶.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۶، ص ۳.

۳. محمد محمدی ری‌شهری، همان، ص ۳۹۳.

مجاهدین موافقت شده بود که در مقابل عدم موضع گیری سازمان، پستی به مسعود رجوی واگذار گردد.<sup>۱</sup> به یقین این پست تا عضویت در هیئت دولت کودتار اشامل می‌شد و به این ترتیب رجوی و سازمان تحت ریاستش به مراحل مهمی از حاکمیت چنگ می‌انداختند و راه خود را در رسیدن به حاکمیت مطلق هموار می‌ساختند. تجربه به خوبی ثابت کرده است که سازمان نفاق و بتواره آن یعنی شخص مسعود رجوی قابلیت عجیبی در اسکی قدرت و حرکت‌های زیگزاگی آن دارد و به نظرشان همیشه هدف وسیله را توجیه می‌کند! سرهنگ بنی‌عامری رئیس شاخه نظامی کودتا حتی امکان دریافت سلاح و مهمات از سازمان مجاهدین را در صورت کمبود سلاح در روز کودتا بررسی کرده بود.<sup>۲</sup>

ستوان ناصر رکنی در مصاحبه تلویزیونی نیز پرده از همکاری سازمان مجاهدین با کودتاگران برداشت. این امر چنان رجوی را برا فروخت که دستور داد نشریه مجاهد در شهریور ۱۳۵۹ شماره فوق العاده‌ای منتشر سازد و همکاری سازمان با شبکه کودتا را تکذیب کند. در بخشی از نشریه مذکور آمده بود:

...تعجب‌آورتر اینکه افسر ضدانقلابی [ناصر رکنی] از ریز تمام قضایای کودتا و حتی میزان پولی که برای ایلات یا درجه‌داران در اقصی نقاط کشور پرداخت شده خبر داشت، به مجاهدین که رسیدن گفت که کی و کجا و با چه کسی از آنان ارتباط برقرار شده و وعده و قرار گذاشته‌اند و الحق که باید به تنظیم‌کنندگان مصاحبه احسنت گفت که اینچنین به سادگی می‌توانند ظرف مدت کوتاهی ضدانقلابی‌ون را به خط درست بازگردانیده و آنها را اسلام‌پناه و راستگو و ... سازند. منتها باید دید که به‌اصطلاح دم خروس ضدیت با مجاهدین را چه کسی در قبای ضدانقلاب می‌گذارد.<sup>۳</sup>

ناصر رکنی در پاسخ به ادعاهای سازمان مجاهدین در انکار همکاری با کودتا چنین نوشت:

... هیچ تعجبی ندارد و اگر جز این بود باید تعجب کرد. اگر من دروغ گفته بودم و اگر مصاحبه [تلویزیونی من] از پیش تنظیم شده بود، آیا امکان

۱. کودتای نوژه، همان، ص. ۳۸.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، همان.

۳. مجاهد، شماره فوق العاده شهریور ۱۳۵۹، ۱-۲.

نداشت که بگوییم در فلان تاریخ و در فلان خانه مربوط به سازمان نقاب<sup>۱</sup> فلان کس از نقاب با فلان کس از مجاهدین خلق مذاکره کرده و یا بگوییم خودم یک طرف این مذاکره بوده‌ام. این خیلی ساده بود که چنین مطلبی را بگوییم حتی اگر با تکذیب مجاهدین خلق روبه‌رو می‌شدم، چون به هر حال هر چه می‌گفتم با تکذیب روبه‌رو می‌شد و فراموش نکنید گفته گوبلس<sup>۲</sup> بزرگ‌ترین تبلیغاتچی جهان در عصر معاصر که گفته است: «دروغ هر چه بزرگ‌تر باشد باور کردنش آسان‌تر است». ولی چنین نکردم چون اولاً مصاحبه من از پیش ساخته نبود، ثانیاً منظور، گفتن حقایق بود نه دروغ، ثالثاً در چنین صورتی در اینجا نمی‌توانستم خداوند را شاهد صدق گفتار خودم بگیرم.

مطلوب دیگر در همین رابطه این است که بله من از همه‌چیز خبر داشتم، از ریز عملیات نظامی آگاه بودم ولی این دلیل نشد که از جزیيات مذاکره مجاهدین خلق با سازمان نقاب نیز آگاه باشم، زیرا این مذاکره توسط شاخه سیاسی سازمان نقاب صورت می‌گرفت در حالی که من عضو شاخه نظامی بودم و بالطبع از جزیيات این مذاکرات نیز نمی‌بايستی مطلع باشم. فقط رئوس مطالب و نتایج به دست آمده به اطلاع ما می‌رسید. آن هم به خاطر اینکه این پیشرفت‌ها را با عملیات خودمان هماهنگ کنیم و از نیروهای موجود و در اختیارمان حداکثر استفاده را بکنیم. کما اینکه شاخه سیاسی نیز از جزیيات نقشه‌ها و عملیات نظامی اطلاعی نداشتند و فقط صورت کلی مسائل نظامی را می‌دانستند آن هم نه همه افراد شاخه سیاسی بلکه مهم‌ترین افراد آن.

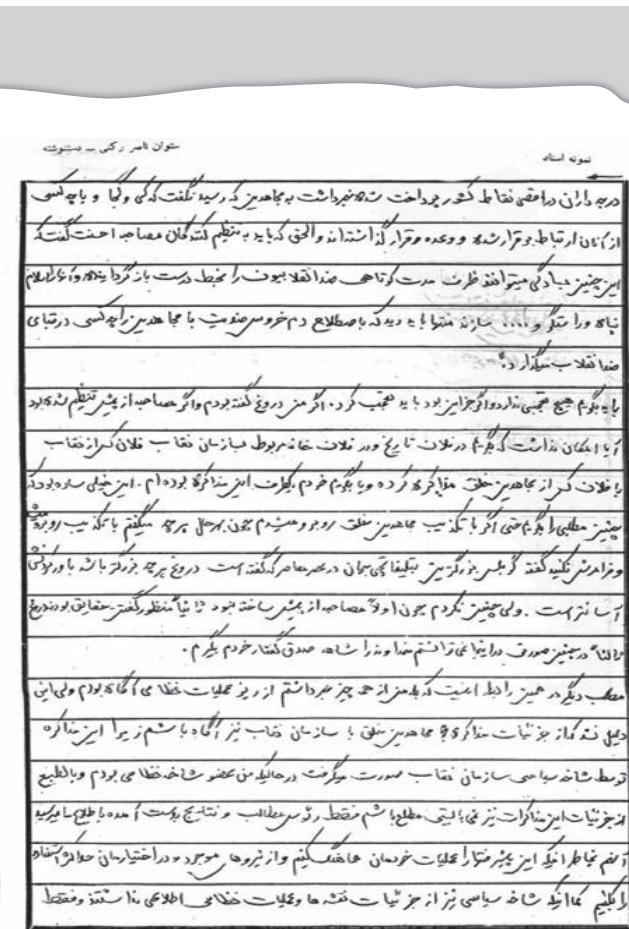
اما در پاسخ به اینکه هیچ سندی در مورد همکاری مجاهدین با شبکه کودتا وجود ندارد ستوان ناصر کنی می‌نویسد:

در تمام مراحل تنظیم و پیشرفت و برنامه‌ریزی کودتا هیچ مدرکی و

۱. «نقاب» نامی رمزی و برگرفته از «سازمان قیام ایران بزرگ» است. این سازمان در ظاهر، تشکیلات هودادار دکتر بختیار و در واقع سازمان کودتای نظامی امریکا علیه انقلاب اسلامی ایران بود. سازمان نقاب شامل یک ستاد در پاریس به ریاست بختیار و یک ستاد در ایران بود که به دو شاخه سیاسی و نظامی تقسیم می‌شد. محمد محمدی ری‌شهری، همان، ص ۱۱۱-۱۱۲. برای کسب اطلاع بیشتر راجع به سازمان نقاب رک: کودتای نوژه، همان، ص ۱۴۳-۱۴۵.

۲. پاول یوزف گوبлер (۱۸۹۷-۱۹۴۵) سیاستمدار ناسیونال سوسیالیست آلمانی است که از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ به مدت ۱۲ سال وزیر تبلیغات حکومت آلمان بود.

نوشته‌ای بر جای نمی‌ماند و همه چیز به استثنای اعلامیه‌هایی که قرار بود از طریق رادیو و تلویزیون قرائت شود شفاهی بود. بنابراین ادعای اینکه در مورد سازش مجاهدین خلق با کودتا مدرک ارایه بدهید درخواست لغو و بیهوده‌ای است منتها دلایل و شواهد وجود دارد.



صدرت مکالمه اول فنی محرومیه اتفاق نکند که همان اتفاق سلاسل بلکه میرسر افزاده  
و مطلب بخدمت در اینگزید (اینکه) هر معلم تعلیم و میرفت و برنا صدرز کوچه هایی وزارتی بود  
نه همان مردمی هم باسته اعلایی همچنان که کاربرد از طبقه را دید تبریزین توانست شد متفاهم بود  
بنابراین از این راهیک در درس زبانه عده همین خلق با کوتاه مدت از آن پنهان در زاست لغز و بهر داده  
بمعنی شنیده دلایل و شاهد و مجدد طرد.

سازمان مجاهدین خلق در اطلاع با مشغله هنری که احتمالاً میرزا قادق با سازمان کودتا و مولانا و ماحصل  
اوچک غافلگشی خواست از وزارت کشور درخواست می نماید اجازه دهنده در مردم بخته ۱۳۵۹  
در سراسر کشور مبادرت تظاهرات و راه پیاپی نمایند.  
محبی است سازمان از ادعای پیشنهادی خود تا پیش از تحقق در جریان دو و هشتاد و هشت تاریخ این آذربایجان  
نیز میانه و اطلع دارد که در تاریخ ۱۹ بهمن مینیز منطقه تبریز تراست بمالان مت د. درهان روز  
درخواست راه پیاپی خواهد بود؟ آیا دشمن میتواند از اعضا سازمان مجاهدین خلق تردد نزد مبارز  
ازین بروند؟ چشمیست این درخواست راه پیاپی مقطع برو و متفقور صدرست. تردد نمیست. این مفترض  
سبع اعضا، محاکمه اهان دزدی بروشتر راه پیاپی امداد حقیقت نهیله هایی و هکای و راشنگانی کلی  
در اطلاع با کوتا ۳۰ مخفی، راستن همان جا را و اینطور صدرست که توکوتا بینان نفت که از این خود  
و سازمان عامل کمیابه در خلان روزن عباران صورت خواهد گرفت راه پیاپی میانه بین هیز دلیل را  
اعلی است. در حقیقت دخواست این راه پیاپی بزرگترین مسکارگفتگوست.

سند شماره ۱۲ - ۲

سازمان مجاهدین پس از توافق با سازمان کودتا و هماهنگی با سازمان نقاب، از وزارت  
کشور درخواست می نماید که اجازه دهنده روز پنجم شنبه ۱۹/۴/۱۳۵۹ (روز شروع کودتا)  
در سراسر کشور مبادرت به تظاهرات و راهپیمایی نمایند. ناصر کنی با اشاره به این  
موضوع هدف اصلی سازمان را بدين گونه آشکار می سازد:

عجب است سازمانی که ادعا می کند از مدت ها قبل در جریان توطئه کودتا  
بوده و حتی تاریخ انجام آن را نیز می داند [و ادعا کرده که چند روز قبل از  
انجام کودتا آن را به اطلاع مقام های کشور رسانیده است] و اطلاع دارد که

در تاریخ ۴/۱۹/۱۳۵۹] چندین نقطه از تهران قرار است بمباران شود، در همان روز درخواست راهپیمایی می‌کند، چرا؟ آیا دلشان می‌خواست که اعضای سازمان مجاهدین خلق نیز در زیر بمباران از بین بروند؟ نه، چنین نیست. این درخواست راهپیمایی فقط به دو منظور صورت گرفته است:

۱. به منظور بسیج اعضا و هواخواهان در زیر پوشش راهپیمایی، اما در حقیقت به منظور همگامی و همکاری و داشتن آمادگی کامل در رابطه با کودتا ۲. به منظور داشتن همان جای پا و اینکه در صورت کشف کودتا بتوان [بتوانند] گفت [بگویند] کدام فرد یا سازمان عاقلی که می‌داند در فلان روز بمباران صورت خواهد گرفت راهپیمایی می‌کند؟ پس همین دلیل بر عدم اطلاع ما [از کودتا] است. در حقیقت درخواست این راهپیمایی برای فریب‌های بعدی به کار گرفته می‌شد.<sup>۱</sup>

در ستاد ضدکودتا نیز عوامل نفوذی سازمان مجاهدین از جمله مسعود کشمیری (عامل انفجار ساختمان نخست وزیری در شهریور ۱۳۶۰) و جواد قدیری (عامل انفجار مسجد ابوذر در ۶ تیر ۱۳۶۰ و مجروح شدن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای) حضور داشتند و معدود اسناد کتبی و شفاهی مانند نوار گفت‌وگوهای سران سازمان با کودتاچیان را از بین برداشت یا سرقت کردند. همکاری برخی اعضای دفتر ریاست جمهوری بنی صدر با کودتاچیان نیز مدتی بعد افشا شد.<sup>۲</sup>

آقای ری‌شهری طی مصاحبه‌ای راجع به نقش بنی صدر در آزادی افراد دستگیر شده در جریان کودتا اعلام داشت: «متأسفانه باید عرض کنم ۵۱ نفر که در این رابطه [کودتا] نوژه‌[دستگیر شده بودند، بدون مجوز قانونی به دستور آقای بنی صدر آزاد شدند.]»<sup>۳</sup> حمایت بنی صدر در موضع رئیس جمهور از سازمان مجاهدین، از بین رفتن اسناد همکاری منافقین با کودتاچیان توسط عوامل نفوذی سازمان در ستاد ضدکودتا و آغاز جنگ تحملی عراق علیه ایران دو ماه بعد از کشف و خنثی سازی کودتا، شرایط توقف پیگیری نقش سازمان مجاهدین را در کودتا فراهم کرد و فضای مناسبی برای تجدید فعالیت و رویارویی نظامی و شورش مسلحانه آنان پدید آورد. ابعاد این شورش، مقابله با آن، گریختن رجوی و بنی صدر از کشور و پیگیری کردارهای ضدانقلابی توسط آن دو در خارج کشور، در مقاله‌ای دیگر بررسی خواهد شد.

۱. سند ش ۱۲.

۲. فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال پنجم، ش ۱۶، تابستان ۱۳۸۷، ص ۳۰۳.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۹/۳، ص ۱۲.